



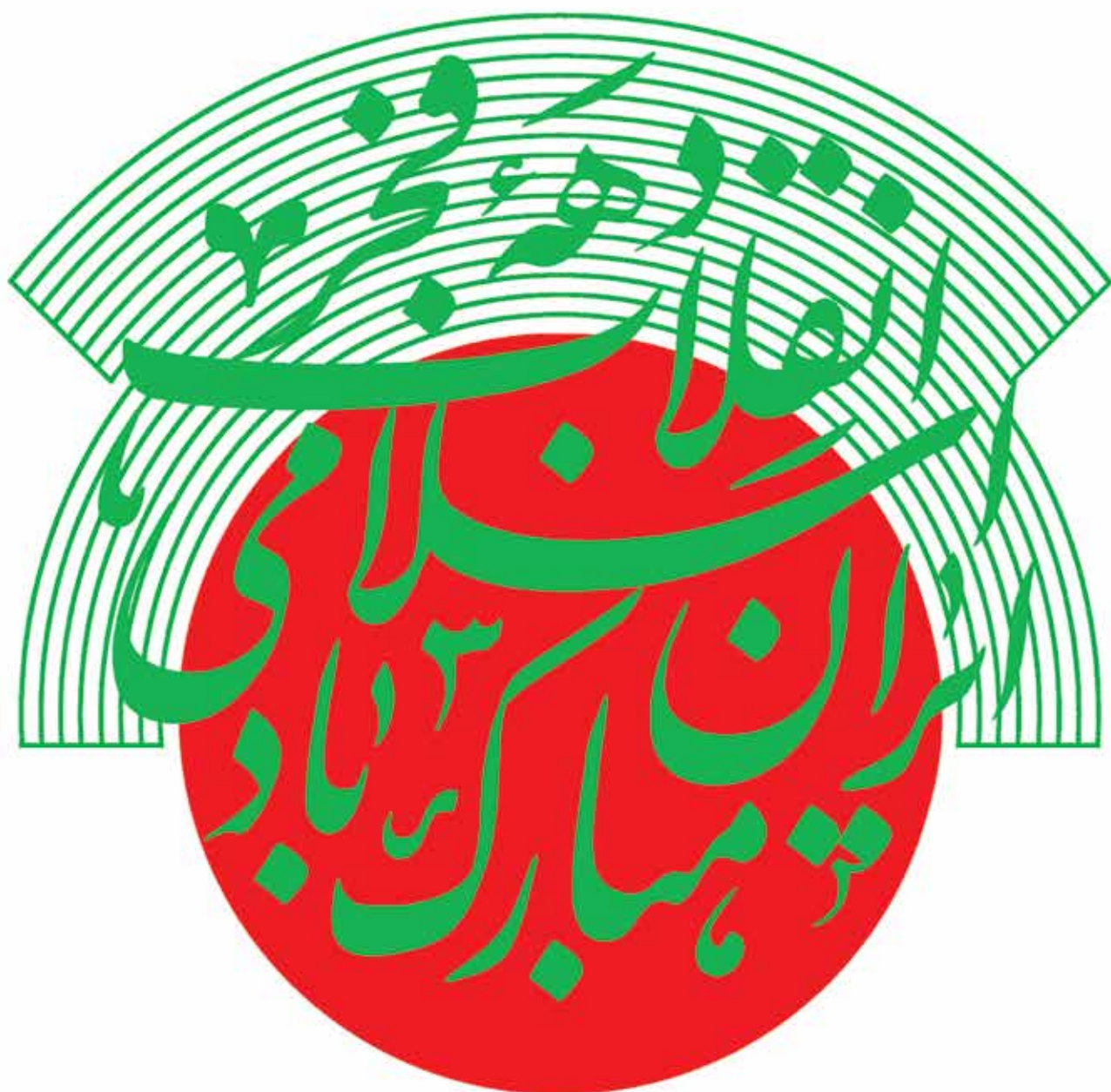
آموزشی آبشار

رشد

- اهتزاز عشق
- مطالبه‌ی عامدانه
- موتور برق چند پایه

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و چهارم | ۱۳۹۹ | شماره‌ی پی‌درپی ۴۸ | ۱۹۴ صفحه
www.roshdmag.ir | ریتال ۳۵۰۰۰





چهل و دومین سالگرد پیروزی
انقلاب شکوهمند اسلامی ایران مبارک باد



آموزشی ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجوی معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست‌و‌چهارم | شماره‌ی بی‌دری | ۱۹۴ | ۴۸ صفحه | ۳۵۰۰۰ ریال | www.roshdmag.ir

فهرست

- ۲ حدرسه‌ی خوانا / اصغر ندیری
- ۴ برسکوی افتخار / عبدالرحیم اصلی
- ۶ گوش جان / محمدحسین دیزجی
- ۹ کلاه آقا معلم / احمد مبارکی
- ۱۰ سنجش با اصل ۱۰-۱۰ / احمد شریفان
- ۱۳ موتور برق چند پایه / دکتر سید عبدالرحیم اعتماد
- ۱۴ اول یا دوم / ابراهیم اصلانی
- ۱۶ به چه کار آید؟ / دکتر احمد رضا آذربایجانی
- ۱۹ رسم سعدی / حامد ابتهاج
- ۲۰ رهزینه‌های قرآنی / رضا نباتی
- ۲۴ عزت زیاد! / بهروز نظری
- ۲۶ مطالبه‌ی عاجزانه / دکتر معصومه رضانی
- ۲۸ اندکی تأمل! / دکتر لیلا سلیقه‌دار
- ۳۲ چالش اولی‌ها / فرزانه نورالهی
- ۳۴ کرونا‌ی آلبانی / صغری حقدوست
- ۳۶ باشگاه خانگی / دکتر محسن وحدانی
- ۳۸ کارگاه بازی‌سازی / زهره یوسفی زرنجی، یاسین حیات ابدی
- ۴۰ توانمندسازی گروهی / بهنام شاددل
- ۴۴ محبت مجازی / کبری محمودی
- ۴۸ اهتزاز عشق / اعظم لاریجانی

به نام خدا

اللهم صل علی محمد وآل محمد

مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی
سرمدیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی: احمد رضا آذربایجانی
لیلا سلیقه‌دار، مقصود رزم‌آرای شرق
مدیر داخلی: مریم شهرآبادی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارساژاد
طراح گرافیک: وحید حقی
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
رایانه: www.roshdmag.ir
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۰۲۱



طراح جلد: وحید حقی
عکاس: رضا بهرامی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «الوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ی جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.

مدرسه‌ی خوانا



اصغر ندیری

در روزهایی که آموزش در فضای مجازی جریان دارد، این ضرورت خود را نشان می‌دهد که دانش‌آموزان از فعالیت‌های مهارتی دور نمانند. این فعالیت‌ها در فضای مجازی نباید دستخوش آسیب یا غفلت شوند. منظور ما در این میان ایجاد توان بیشتر در سخن گفتن و رساندن مقصود و همین‌طور نوشتن است. آنچه که به گواهی مطالعات پرلز در دانش‌آموزان ما به نسبت میانگین جهانی کم دیده می‌شود. حال که فناوری به مدد تعلیم و تربیت آمده است تا با حفظ فاصله‌ی اجتماعی و جلوگیری از شیوع بیماری کووید ۱۹ بتوانیم جریان یاددهی-یادگیری را پیش ببریم؛ معنایش این نیست که دانش‌آموزان ما با کپی کردن مطالب یا فراخوان متون و اصوات آماده در گوشی‌های همراه یا رایانه‌ها از خود حرکت و مهارت و در ادامه نشاطی در یادگیری بروز ندهند. ما نباید بی‌اعتنا به پیامدها، سرنوشت علمی دانش‌آموزان خود به‌ویژه پایه‌اولی‌ها رابه گوشی‌های هوشمند بسپاریم.

بستنی تحولی خوانا

نتیجه‌ی اجرای طرح «خوانا» از سوی معاونت آموزش ابتدایی آموزش و پرورش علاقه‌مندسازی به مطالعه و خواندن، درک مطلب و مهارت‌های زبانی و ایجاد و تقویت زمینه‌های آن خواهد بود.

چالش اساسی بسیاری از دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی، ضعف آن‌ها در مهارت‌های خواندن، درک مطلب و مهارت‌های زبانی است و این موضوع باعث شد تا براساس الزامات سند تحول بنیادین، تصمیم به اجرای بسته تحولی خوانا گرفته شود.

به‌گفته‌ی معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در حال حاضر دانش‌آموزان روخوانی و نوشتن را می‌توانند انجام دهند، اما مهارت استفاده از کلمات را به‌خوبی نیاموخته‌اند و در بیان درخواست‌های خود و درک مطلب و فهم آن مشکل دارند که این نقص را در بسیاری از فارغ‌التحصیلان مقاطع بالاتر هم مشاهده می‌کنیم. مهارت صحبت کردن و گوش کردن دو مهارت

اساسی برای برقراری ارتباط و مکالمه و فراهم کردن بستر گفت‌وگوی سازنده بین افراد جامعه است و در سال‌هایی تمرکز نظام آموزشی بیشتر در پایه‌های اول تا سوم دوره ابتدایی بوده است. امید است با همت همه‌ی همکاران، راهبران آموزشی، آموزگاران عزیز و دست‌اندرکاران حوزه‌ی آموزش ابتدایی بتوانیم شاهد افزایش این مهارت‌های کلیدی در دانش‌آموزان ابتدایی باشیم، زیرا انسانی که بهتر گوش می‌دهد (توجه دارد)، آگاه‌تر، ژرف‌اندیش‌تر و داناتر است و رساتر سخن می‌گوید و انسانی که کلام رسا دارد اعتمادبه‌نفس بیشتری دارد و به مقصود زودتر نائل خواهد آمد.

روزهای گرامیداشت پیروزی انقلاب اسلامی

پدر و مادرها و گاهی پدر و مادر بزرگ‌ها در این روزها- به دلیل شیوع کرونا- بیشتر کنار فرزندان خود هستند و هر از گاهی در این جمع‌های کوچک به خاطره‌گویی می‌پردازند. دانش‌آموزان با دیدن و شنیدن برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا تبلیغات صوتی و تصویری در رسانه‌ها و حتی موضوعات درسی خود در ارتباط با چگونگی چستی بزرگ‌ترین واقعه‌ی کشور در بهمن‌ماه مشتاق می‌شوند تا از بزرگترهایشان سؤالاتی بپرسند. هر کدام



از نسل‌های اول یا دوم و حتی سوم انقلاب اسلامی خاطره و یادکردی از این حادثه‌ی عظیم دارند. اما آموزگاران گرامی در این خصوص و در فضای آموزش مجازی چگونه خواهند توانست زمان آموزش را با یادآوری این واقعه‌ی عظیم به کودکان و در واقع نسل چهارمی‌های این مرزوبوم بشناسانند؟

دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی روزهای سرنوشت‌ساز ملت به پا خاسته‌ی ایران است. بازگشت افتخارآمیز امام خمینی (ره) به ایران اسلامی و اعلام تشکیل دولت موقت و بیعت نیروی هوایی با امام بزرگوار و شکست حکومت نظامی با حضور شکوهمند مردم در صحنه به فرمان امام خمینی (ره). آموزگاران گرامی با ذکر ویژگی‌های انقلاب اسلامی شوری در دل دانش‌آموزان به پا می‌کنند و آنان را بر می‌انگیزند تا به یاد روزهایی که مدرسه باز بود خانه را مزین و زنگ انقلاب اسلامی را در سرای خود به صدا درآورند. کلاس‌های درس مجازی فرصتی است تا هر کسی از دریچه‌ی نگاه و دل خود ایده و صدایش را به سریع‌ترین شکل به بسیاری از کاربران و همسالان خود برساند.



برسکوی افتخار

گزیده‌ای از پیشرفت‌های علمی ایران بعد از انقلاب اسلامی



عبدالرحیم اصلی

در لغت‌نامه‌ی دهخدا در معنای انقلاب آمده است: «واژگون‌شدن و برگشتن از کاری و حالی». انقلاب دگرگونی‌بنیادی است که نظام سیاسی یک کشور را برمی‌دارد و نظام جدیدی را جانشین آن می‌کند.» در اینجا به‌طور مختصر برخی تعریف‌ها و سپس پیشرفت‌های برجسته‌ی کشور پس از انقلاب اسلامی را تبیین می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت‌های علمی انقلاب اسلامی

بعضی از انقلاب‌ها فقط نظام سیاسی را تغییر می‌دهند و در نظام اجتماعی دگرگونی مهمی به وجود نمی‌آورند، مثل انقلاب مشروطه‌ی ایران که در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۵ شمسی اتفاق افتاد و نظام سلطنت مطلقه را از میان برداشت و نظام سلطنت مشروطه را جانشین آن کرد، بی‌آنکه در نظام اجتماعی دگرگونی اساسی به‌وجود آورد. اما بعضی از انقلاب‌ها، گذشته از تغییر نظام سیاسی، در نظام اجتماعی نیز دگرگونی‌های مهم پدید می‌آورند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ از انقلاب‌هایی است که نه‌تنها نظام جمهوری اسلامی را جانشین نظام شاهنشاهی کرد، بلکه در نظام اجتماعی و اقتصادی نیز، براساس آموزه‌های

دینی، تغییرات مهمی به‌وجود آورد (فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، ج ۴: ۵۷). در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره)، بزرگ‌ترین انقلاب قرن با ماهیت دینی و ضداستکباری و ضد استعماری در ایران به وقوع پیوست. بزرگ‌ترین علت خیزش انقلابی مردم، عملکردهای ضداسلامی دودمان پهلوی و اعمال سلطه‌ی استکباری آمریکا علیه کشور و ملت ایران بود. و بزرگ‌ترین نماد سلطه‌ی امپریالیستی آمریکا، تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ بود. امام خمینی از این طرح به‌عنوان نشان بردگی و ذلت مردم ایران در مقابل آمریکا یاد کرد. سلطه‌ی دشمن بر کشور ما باعث شده بود نیروهای نظامی و سیاستمداران ما همگی مطابق نظر آمریکایی‌ها رفتار کنند. حتی عزل و نصب وزیران کشور در وزارت‌خانه‌های تأثیرگذار، با دخالت مستقیم آمریکایی‌ها صورت می‌گرفت و عمده‌ی نفوذ آمریکایی‌ها، در نیروهای مسلح بود؛ به‌گونه‌ای که ما ایرانی‌ها حق باز و بسته کردن ابزارآلاتی را که از آمریکا وارد می‌شدند نداشتیم. اگر این لوازم خراب می‌شدند، خود آمریکایی‌ها می‌آمدند، آن‌ها را باز می‌کردند و به آمریکا می‌فرستادند و بعد از تعمیر هم دوباره خودشان آن را می‌بستند. ما حق نداشتیم در آن قطعه دخل و تصرفی بیشتر از روشن و خاموش کردن کنیم. در سایر موارد هم که آمریکایی‌ها حضور داشتند، به همین منوال رفتار می‌کردند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بیرون راندن آمریکایی‌ها، دانشمندان جوان ایرانی با تلاش‌های مجاهدانه به پیشرفت‌های مهم علمی نائل آمدند. به اعتراف غربی‌ها، سرعت پیشرفت علم در ایران ۱۱ برابر سرعت پیشرفت علم در جهان است.

علم‌های پیش‌برنده

در طول بیش از چهل و دو سالی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، ایران در رشته‌هایی علمی که تحول‌بنیادین را در پی دارد، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای کرده است. اساس پیشرفت کشورها در دنیا در این چند رشته است که در اینجا ذکر می‌شود. خوشبختانه، کشور



فناوری را نداشته باشد، در واقع کور است و از فضا و محیط اطراف خود اطلاع دقیقی ندارد. چرخه کامل فناوری این علم، از ساخت ماهواره تا ماهواره‌بر و پرتاب ماهواره، همگی در داخل کشور و توسط متخصصان صنایع هوافضای وزارت دفاع ساخته می‌شوند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ به نقل از رئیس سازمان فضایی ایران).

انرژی هسته‌ای

از دیگر رشته‌های بنیادین در پیشرفت کشورها، انرژی هسته‌ای است. در دنیا معدود کشورهایی هستند که چرخه‌ی کامل سوخت هسته‌ای را دارند. کشور ما در داشتن چرخه‌ی کامل سوخت هسته‌ای (غنی‌سازی اورانیوم) و از نظر دانش علمی و فناوری، در ردیف معدود کشورهای پیشرفته‌ی جهان قرار دارد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۲۱ فروردین ۱۳۹۷). دشمنان خارجی که نگران پیشرفت‌های علمی ایران هستند، مانع از برخورداری ایران از حق غنی‌سازی بودند و کشوری که نتواند سوخت هسته‌ای خود را از طریق غنی‌سازی فراهم کند، در واقع چرخه‌ی انرژی هسته‌ای او کامل نیست و محتاج کشورهای دیگر می‌شود. اما جمهوری اسلامی، با ایستادگی در مقابل زورگویی‌های کشورهای غربی، حق غنی‌سازی اورانیوم را دارا شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیان اهمیت این پیشرفت‌ها و با اشاره به قطع کامل وابستگی ایران به آمریکا می‌گوید: «دشمن با رصد تحولات و فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران، از تبدیل ایران از «کشوری عقب‌افتاده و وابسته، به کشوری اثرگذار، متنفذ و برخوردار از اقتدار سیاسی، دفاعی و علمی» کاملاً عصبانی و نگران است. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به دستاوردهای کسب‌شده می‌فرماید: «همه‌ی این پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و فنی در شرایط تحریم اتفاق افتاده‌اند. این خیلی مهم است. راه را مسدود کرده‌اند. محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما این جور پیشرفت کردیم.»



ما ایران، با کمک دانشمندان جوان و تربیت‌یافته‌ی دانشگاه‌های داخل کشور، در همه‌ی این رشته‌ها در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد:

پزشکی

در ایران قبل از انقلاب اسلامی، مردم با کمبود پزشکی مواجه بودند. در هر درمانگاهی یک یا دو پزشک از کشورهای خارجی که عموماً هندی و یا بنگلادشی بودند حضور داشتند و طبابت می‌کردند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیستم آموزشی کشور پیشرفت زیادی کرد. در حوزه‌ی پزشکی، با وجود تحریم‌های ظالمانه، ایران از نظر افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ مادر و کودک، پیشروی در درمان‌های جدید، و تولید داروهای مبتنی بر فناوری‌های جدید، از جمله کشورهای تراز اول دنیاست. امروزه موضوع سلول‌های بنیادی از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است و بسیاری از کشورها سعی دارند در این خصوص به دستاوردهای نوین و منحصر به فردی برسند. ایران نیز در این میان توانسته است جزو ۱۴ کشور برتر جهان قرار گیرد. محققان ایرانی با تکیه بر علم و تخصص داخلی توانسته‌اند از سلول‌های بنیادی در پیوندهای مغز و استخوان، پوست و ترمیم بافت آسیب‌دیده‌ی قلب کمک بگیرند و حتی در ترمیم ضایعات نخاعی و پیوند قرنیه‌ی چشم از آن استفاده کنند. از دستاوردهای جدید در این حوزه می‌توان به تولید سلول‌های بنیادی جنین و علم شبیه‌سازی اشاره کرد (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۹ بهمن ۱۳۹۷ کدخبر ۸۱۳۲۰۲۲۱۳).

هوافضا

فناوری فضایی از رشته‌های بنیادین در پیشرفت کشورهاست. ایران اسلامی به برکت وجود دانشمندان جوان و با اینکه فعالیت در این حوزه را دیر آغاز کرده بود، در سال‌های اخیر، در حرکتی جهشی، با ارسال ماهواره و فرستادن موجود زنده به فضا، موفق شد نام خود را در میان ۹ کشور صاحب چرخه‌ی کامل فناوری فضایی در دنیا قرار دهد. در جهان امروز از ماهواره به چشم سوم تعبیر می‌کنند و کسی که این

گوش جان

با محبوبه طاهری

آموزگار کودکان ناشنوا



محمدحسین دیزجی

از تعلیم‌وتربیت در دوره‌ی پیش‌دبستانی تا آموزش در دوره‌ی متوسطه را تجربه کرده است. دانش‌آموزان مدرسه‌های عادی تا بچه‌های ناشنوا، کم‌بینا و معلول جسمی حرکتی را آموزش داده است. هم هنر می‌داند و هم هنرمندانه استعدادهای شاگردانش را کشف کرده و آنان را برای لذت‌بردن از زندگی و پیشرفت در مسیر توانایی‌ها تعلیم می‌دهد. آموزگار نمونه‌ی استان و مدرس کشوری زبان اشاره است. کاردانی تربیت‌معلم ویژه‌ی ناشنوایان و کارشناسی آموزش ابتدایی دارد و در حکم او ۲۴ سال سابقه و تجربه منظور شده است. گفت‌وگو با محبوبه طاهری، آموزگار آموزشگاه ناشنوایان الهام باغچه‌بان شماره‌ی ۱۲ واقع در ناحیه‌ی ۲ شهرری تهران، پیش روی شماست.

آموزش و تدریس به دانش‌آموزان ناشنوا به صورت کلی چه تفاوت‌هایی با سایر دانش‌آموزان دارد؟

آموزش به دانش‌آموزان ناشنوا تفاوت‌های زیادی با آموزش به بچه‌های عادی دارد.

۱. تعداد باید کمتر باشد؛ حداکثر ۱۲ نفر و حداقل ۵ نفر؛

۲. آموزگار باید رویه‌روی بچه‌ها تدریس کند؛ پشت به دانش‌آموزان، راه رفتن در کلاس یا استفاده از رسانه‌ی صوتی نداریم.

۳. آموزگار در تدریس نمی‌تواند فقط از کتاب

یا آموزش خود استفاده کند. قطعاً باید از وسایل کمک‌آموزشی استفاده شود. آموزش دیداری است و آموزش کلامی ممکن نیست؛

۴. در تمامی تدریس آموزگار به صورت شمرده و با حفظ لب‌خوانی دقیق صحبت می‌کند؛

۵. آموزگار در پایه‌های بالا، برای فهماندن مطالب، از زبان اشاره یا فیلم‌های آموزشی استفاده می‌کند و در پایه پایین آموزش از دوسالگی شروع می‌شود؛

کلاس اندرژگاه تا چهارسالگی است. چهار تا شش‌سالگی، آمادگی یک؛ شش تا هفت‌سالگی، آمادگی دو؛ هفت تا هشت‌سالگی، پایه‌ی اول مقدماتی (کتاب اول عادی نصف می‌شود)؛ هشت تا نه‌سالگی، اول تکمیلی؛ نه‌سالگی، سال دوم و به ترتیب سوم و چهارم به بالا.

آیا تعداد دانش‌آموزان ناشنوا در یک کلاس محدودیت خاصی دارد؛ مثلاً به خاطر مشکلات آموزشی و سختی‌های کار؟ حداقل و حداکثر چند نفر هستند؟

حداقل ۵ و حداکثر ۱۲ نفرند. زیر ۵ شاگرد باشند، آموزگار دو پایه را تدریس می‌کند؛ متأسفانه، یعنی من الان در پایه‌ی اندرژگاه ۲ دانش‌آموز دارم و در آمادگی ۵ نفر. این‌ها اصلاً هم به هم مربوط نیستند و اختلال زیادی به وجود می‌آید. اما چاره‌ای نیست.

آیا دانش‌آموزان ناشنوا در یادگیری مباحث درسی محدودیت دارند؛ مثلاً فارسی را بهتر یاد می‌گیرند، اما ریاضیات و جغرافیا را مثلاً دشوارتر؟ آموزگار باید برای آن‌ها چه کار کند؟

البته. مباحث فارسی، مثلاً شعرهای مولانا و سعدی، برای آن‌ها نامفهوم‌اند، اما چون کتاب‌های آن‌ها با بچه‌های عادی یکی است، قطعاً سواد کمتری دارند. یعنی درس را می‌گذرانند، اما با نمرات متوسط. اما آموزگاران حق حذف مطالب را ندارند و به ناچار دست و پا شکسته تدریس می‌کنند.

حتی اجازه‌ی تدریس به زبان اشاره را هم از آموزگاران گرفته بودند. الان بعد از ۲۲ سال اجازه دادند که با اشاره هم تدریس کنند، که آن هم تعداد قابل توجهی از آموزگاران آموزش ندیده‌اند.

برای کمک به یادگیری بهتر درس‌هایی مثل فارسی چه تدبیرهایی باید بیندیشید؟

راهکار خاصی ندارد. تنها راه کمک ما به بچه‌ها این است که معنی واژه به واژه را توضیح دهیم. در بعضی

جاها با ساده کردن جمله‌ها به بچه‌ها کمک می‌کنیم. در بین همکاران ما هستند عزیزانی که تمام درس‌ها را ساده کرده‌اند و معنی می‌کنند و در آخر سؤالات را طرح می‌کنند تا بچه‌ها نکته به نکته یاد بگیرند.

برای تدریس و آموزش به دانش‌آموزان ناشنوا کدام امکانات کمک آموزشی وجود دارند؟

موارد کمک‌آموزشی متنوع‌اند، اما پرکاربردترین‌ها عبارت‌اند از: اسلایدهای نوشتاری، کتاب‌های الکترونیکی، تمرین‌های گفتاردرمانی، و تمرین‌های تربیت شنوایی در زمینه‌ی ورزش؛ قطعاً هر رشته‌ای به صورت عملی آموزش داده می‌شود و حالت نظری ندارد. در رشته‌ی خیاطی هم آموزگار تمام الگوها را در مدل بزرگ اجرا می‌کند تا آموزش جامع‌تر شود. در پایه‌ی آمادگی تمام درس‌ها را به صورت زنده آموزش می‌دهند. مثلاً اگر قرار است موضوع مسجد را آموزش بگیرند، نوآموزان را به مسجد می‌برند. یا مثلاً در درس پلیس، از پلیس دعوت می‌شود به مدرسه بیایند.

دانش‌آموزان ناشنوا چه درس‌هایی را بهتر فرا می‌گیرند؟

معمولاً درس‌های عملی را بهتر یاد می‌گیرند؛ درس‌هایی که انتزاعی نباشند. مثلاً برخی مفاهیم غیرانتزاعی ریاضی را بهتر یاد می‌گیرند. اما از آنجا که درصد هوش و شنوایی در یادگیری تأثیر بسزایی دارد، ممکن است این آمار متغیر باشد. بعضی دانش‌آموزان ما مثلاً در ریاضی موفق نیستند، اما قالی بافی آن‌ها عالی است و برعکس.

در صحبت‌های شفاهی اشاره کردید در مدرسه کلاس‌هایی با عنوان اندرژگاه دارید که فرش شده است و یکسری وسایل در آنجا وجود دارد. منظور از این کلاس چیست و چه کاری در آنجا انجام می‌شود؟

این کلاس‌ها ویژه‌ی نوآموزان دو تا چهارسال است. بچه‌ها با اولیا می‌آیند و آموزش می‌گیرند. این آموزش برای آشنایی والدین با سیستم و روش آموزش لازم است. از تیم توان‌بخشی هم بهره می‌گیرند.

در این پایه، بچه‌ها با والدین در کلاس حضور می‌یابند. مادر آموزش می‌گیرد و نوآموز گذاشتن سمعک را تمرین می‌کند. لازم است بدانید، بچه‌ها

■ شما در هر سه مورد لب‌تان یک حالت دارد. ناشنوا از کجا تفاوت را بفهمد؟

اینجا هم از اشاره کمک می‌گیریم. بنابراین، هم در اشاره از لب‌خوانی استفاده می‌شود و هم در آموزش بدون اشاره. پس لزوم و پایه را لب‌خوانی گذاشته‌اند، تا هر جا که صدا جوابگو نبود، لب‌خوانی کمک کند. و هر جا که اشاره به اشتباه می‌اندازد، لب‌خوانی کمک کند. در آخر هم هر جا لب‌خوانی کم آورد، اشاره به آن کمک کند. البته باید گفت، ۲۲ سال بود که اشاره نداشتیم و تنها وسیله‌ی کمک آموزشی لب‌خوانی بود.

■ شما مدرس زبان اشاره در سطح کشوری هستید و به سایر آموزگاران هم درس می‌دهید. درباره‌ی زبان اشاره، کمی به ویژگی‌های آن و تعداد واژگان کلمات زبان اشاره بفرمایید.

زبان اشاره‌ی استاندارد را درس می‌دهیم. در انجمن چهار کتاب تدریس می‌شود، اما ما دو تا جزوه را به آموزگاران درس می‌دهیم؛ حدود ۷۰۰ لغت که در کتاب‌های آن‌ها به کار می‌روند. قطعاً کم است، ولی در کل آموزش اشاره نوپاست و هر روز کامل‌تر می‌شود.

نکته‌ی دوم: یک جمله‌ی ۱۰ کلمه‌ای را با ۳ حرکت اشاره می‌کنیم. سرعت ما بالا می‌رود هیچ، بلکه بچه‌ها بهتر هم توجیه می‌شوند. مثلاً جمله‌ی من تو را دوست دارم با یک حرکت اشاره می‌شود. شاید با لب‌خوانی بچه‌ها به‌سختی متوجه شوند، اما اشاره را سریع می‌فهمند. تمام تلاش ما این است که بتوانیم درس‌ها را طوری آموزش دهیم که دانش‌آموز ما مثل بچه‌ی عادی فراگیری خوبی داشته باشد. بنابراین هیچ‌جا خودمان را امجاب به یک کار نمی‌دانیم. از هر روش که باز خورد بگیریم، کمک می‌گیریم.

■ چرا تا این حد روی لب‌خوانی تأکید می‌شود؟

در آموزش ویژه‌ی ناشنوایان دو شیوه موجود است: استفاده از اشاره در کنار لب‌خوانی؛ استفاده از لب‌خوانی در کنار اشاره. حالا داستان چیست؟ در لغت‌نامه‌ی زبان اشاره ممکن است چند کلمه یک اشاره داشته باشد. خوب، بدون لب‌خوانی ناشنوا از کجا بداند ما چه می‌گوییم؟ مثلاً است و هست و باشد یک اشاره‌ی نزدیک به هم دارند. در دومین روش هم، حروفی داریم که لب‌خوانی یکی دارند؛ مثل (س ف ش). جایگاه لب‌خوانی این سه حرف مثل هم است.

با گذاشتن سمعک مشکل زیادی دارند، زیرا با سمعک صداهای اضافی شنیده می‌شوند و این بچه‌ها را اذیت می‌کند. بنابراین وجود اتاق ضد صدا به بچه‌ها کمک می‌کند که تمرکز بیشتری داشته باشند. این کلاس‌ها باید ضد صدا باشند، اما چون هزینه‌ی زیادی می‌طلبند، معمولاً مدرسه‌ها نمی‌توانند کاملاً مجهز شوند.

■ در تدریس تا چه اندازه از لب‌خوانی استفاده می‌شود و در چه مواردی به زبان اشاره متوسل می‌شوید؟

تدریس کاملاً با لب‌خوانی است. اما چون لب‌خوانی بسیاری از حروف شبیه است و استفاده‌ی به‌تنهایی آن، باعث به اشتباه افتادن بچه‌ها می‌شود، از زبان اشاره و قبلاً از نوشتن استفاده می‌شد. لب‌خوانی در پایه‌ی پایین کمک زیادی می‌کند، اما توجه داشته باشید که وقتی مباحث کم است و آموزگار با آرامش درس می‌دهد، لب‌خوانی تأثیرگذار است و شاید کافی، اما وقتی مباحث زیاد می‌شود، لب‌خوانی نه تنها کمک نمی‌کند، بلکه آموزگار را عقب می‌اندازد.

از طرفی گاهی آن‌قدر مطالب از لحاظ معنی جملات سنگین می‌شوند که آموزگار با لب‌خوانی به‌تنهایی نمی‌تواند آن‌ها را توجیه کند.



باشم و این پیشرفت دانش‌آموز سبب شد اسناد دانش‌آموزی که او را کم‌توان ذهنی اعلام کرده بود، او را تنها ناشنوا اعلام کند. هر روز خدا را شکر می‌کنم که توانستم یک برچسب خطا را از روی یک بچه بردارم.

■ منظور از آموزگار رابط چیست؟

گروهی از دانش‌آموزان به دلایل مختلف به مدرسه‌های عادی یا غیردولتی می‌روند. مثلاً به‌خاطر کاشت دستگاه حلزونی شنوایی این خانواده‌ها با حضور بچه در مدرسه‌های باغچه‌بان مشکل دارند. مدرسه‌هایی که این‌گونه دانش‌آموزان را دارند، از اداری استثنایی منطقه درخواست آموزگار رابط می‌کنند. آموزگار رابط در اصل فقط وظیفه دارد به آموزگار مربوطه آموزش دهد تا در آموزش به دانش‌آموز با نیاز ویژه کمک کند. اما معمولاً از این حد فراتر می‌رویم. کنار دانش‌آموز می‌نشینیم و درس‌ها را خط‌به‌خط برایش می‌گوییم.

در سر امتحاناتشان، به‌خصوص دیکته، حاضر می‌شویم تا حقی از آن‌ها ضایع نشود. هستند رابطانی که بدون هیچ توقعی، سر تمامی امتحانات می‌روند و سؤال به سؤال برگه‌ی امتحانی را برای ناشنوا می‌خوانند تا او دچار مشکل نشود.

■ دشوارترین فعالیت آموزشی در حوزه‌ی کار

ناشنوایان چیست؟ کمی توضیح بدهید. به نظر من ادبیات. به خاطر اینکه همه‌ی مطالب ذهنی هستند و مفاهیم انتزاعی ادبی را نمی‌توان به‌راحتی تفهیم کرد. هر لغت کلی معنی دارد. یعنی یک کلمه در چند جمله‌ی متفاوت معنی‌های متفاوت دارد. بنابراین بچه‌ها نمی‌توانند برای هر لغت یک قالب مشخص تعریف کنند و درک مفاهیم برایشان سخت‌تر می‌شود.

■ در هر کاری لذتی نهفته است. در کاری که

شما برای ناشنوایان انجام می‌دهید، چه لذتی وجود دارد؟ قطعاً دیدن دانش‌آموزی که با انجام عمل کاشت حلزونی در گوش، می‌تواند برای اولین بار بشنود و یک کلمه را بر زبان بیاورد، بسیار شیرین و لذت‌بخش است.

از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید متشکریم.



گروه ما متشکل از هشت دختر ناشنوا و کم‌شنواست که با هدف کارآفرینی و فعالیت اجتماعی شکل گرفته است و بچه‌ها در برنامه‌های گوناگون و حتی در حضور مقامات کشور اجرا دارند. در سرود ناشنوایان روال کار چنین است که گروهی از دختران ناشنوا در بالای سن قرار می‌گیرند و در پایین، رهبر گروه می‌ایستد، که قطعاً شنواست. آهنگ در فضای سالن پخش می‌شود و هنگامی که اشعار خوانده می‌شود، رهبر یا به خود کلمه اشاره می‌کند یا معنی آن‌ها را، و تیم در بالای سن، اشارات را به‌صورت هماهنگ تکرار می‌کند. در ناشنوایان، قطعاً با تکرار و تمرین مربی و توضیح معانی ابیات و حس خواننده در حین اجرا، حالت صورت تیم عوض می‌شود. این باعث می‌شود اجرای تأثیرگذارتری داشته باشند.

■ یکی از شیرین‌ترین خاطرات سال‌های کارتان را برایمان بفرمایید.

آموزگار رابط بودم و دانش‌آموزی داشتم به نام علی که ناشنوا بود و اصلاً همکاری نمی‌کرد. این دانش‌آموز با گذشت سه سال، هنوز در پایه‌ی اول بود. با حضور من، او توانست کلاس اول را با کارنامه‌ی عالی تمام کند؛ البته با تشویق مدرسه و پیگیری‌های اولیا. من پنج سال آموزگارش بودم و ایشان تا حدی پیش رفت کرد که جز با من با کسی همکاری نمی‌کرد. به لطف خدا توانستم برایش مفید

■ اوقات فراغت دانش‌آموزان ناشنوا معمولاً چگونه سپری می‌شود؟ مثلاً دانش‌آموز عادی ممکن است از سرود به‌عنوان تفریح یا تماشای فیلم استفاده کند. دانش‌آموزان ناشنوا چگونه اوقات فراغتشان را می‌گذرانند؟

بچه‌های ناشنوا در حوزه‌ی هنر بسیار فوق‌العاده‌اند و در ورزش، تئاتر و بازیگری؛ البته اگر مربی توانمند داشته باشند. البته سلیقه‌ای هم هست. کلاً ناشنواها در زمینه‌ی هنر صاحب مقام هستند. خلقت آن‌ها این‌گونه است که شاید ۵۰ درصدشان در عکاسی یا نقاشی خوب هستند. در قالی‌بافی، گلیم‌بافی، و کارهای دستی مثل مکرومه‌بافی و پولک و منجوق‌کاری و ساخت بدلیجات مهارت دارند. فکر می‌کنم آن‌ها به جزئیات نگاه عمیق‌تر دارند و خلاقیت هنری‌شان ذاتی است.

در مورد ورزش هم باز سلیقه‌ای است. معمولاً بچه‌های ما در دو و میدانی و شنا و مسابقات آمادگی جسمانی صاحب مقام هستند، اما این می‌تواند متغیر باشد. ممکن است آموزگاری بتوانند در رشته‌ی تنیس، آن‌ها را به آن سو سوق بدهد. نمی‌توانم فقط بگویم در این موارد موفق‌اند، اما می‌توانم بگویم بچه‌های ناشنوا در مسابقات انفرادی موفقیت‌هایشان به‌نسبت بیشتر بوده است.

■ شنیده‌ایم شما یک گروه سرود و گروه هنرمند تربیت کرده‌اید و از این گروه برایمان بیشتر بفرمایید که متشکل از چه نوع دانش‌آموزانی است و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟

احمد مبارکی

کلاه آقا معلم

صبح یکی از روزهای سرد زمستان بود و طبق معمول مشغول تدریس بودم که در کلاس به صدا درآمد و متعاقب آن بهزاد، یکی از شاگردان کلاس، را دیدم که با مادرش جلوی در کلاس ایستاده بود. مادر دانش‌آموز پس از سلام گفت: آقای مبارکی می‌بخشید که بی‌موقع مزاحم شدم، ولی موضوع این است که با این شدت سرما، بهزاد حاضر نیست کلاه به سر کند و ما بیم آن داریم که او مریض شود!

برای حل این مسئله مزاحم شما شدیم. تعجب کردم، چون اولاً بهزاد دانش‌آموز خوبی بود و ثانیاً منطق و نیاز ایجاب می‌کرد دانش‌آموزان برای در امان ماندن از سرما لباس گرم و کلاه داشته باشند. بنابراین به مادر دانش‌آموز گفتم: شما درباره‌ی اهمیت موضوع با او صحبت کرده‌اید؟ چون با شناختی که از بهزاد دارم، این موضوع کمی برایم غیر عادی است!

مادر بلافاصله گفت: بله، راستش بعد از صحبت با بهزاد متوجه شدیم که برای حل این مشکل باید مزاحم شما شویم، چون وقتی علت را سؤال کردیم، بهزاد با ناراحتی گفت: من هیچ کلاهی را به سر نخواهم کرد، مگر اینکه مثل کلاه آموزگار باشد!

سپس ادامه داد: اگر امکان داشته باشد شما کلاه خودتان را به من نشان دهید تا من مثل آن را برای بهزاد تهیه کنم.

لبخندی بر لبانم نقش بست. خجالت کشیدم کلاه ساده و رنگ و رو رفته‌ی خودم را نشان دهم، ولی ناگزیر این کار را انجام دادم.

صبح روز بعد، دانش‌آموزم بهزاد را دیدم که با شادابی و صف‌ناپذیری، با کلاهی شبیه کلاه من در کلاس حاضر شده است؛ او کلاه گران‌قیمت خود را کنار گذاشته بود. آن وقت بود که به اهمیت این نکته بیش از پیش واقف شدم که الگو واقعاً نقش بسزایی در فرایند شکل‌گیری شخصیت کودکان به‌خصوص در پایه‌ی اول ابتدایی، ایفا می‌کند و اگر آموزگار بتواند نزد دانش‌آموزان شخصیت محبوبی داشته باشد، رفتار و گفتار و حالات و تمامی افعال او حکم تابلوی جهت‌دهنده به کودک را داراست. در واقع آموزگار می‌تواند با قدرت شگفت‌آور خود عمق وجود کودکان را تسخیر کند.



سنجش با اصل

۱۰-۱۰

عنصر تفکیک ناپذیر

یاددهی - یادگیری



احمد شریفان
دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری
دانشگاه تهران

همان‌طور که می‌دانیم، در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، در بند ۱۰ و صفحات ۴۱ تا ۴۲، اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی مطرح شده است. در این مقاله، در ادامه‌ی مقاله‌ی شماره‌ی اول که به مفهوم سنجش و چرایی آن پرداختیم، اصل ۱۰-۱۰ آن، مبنی بر تفکیک ناپذیر بودن سنجش از فرایند یاددهی - یادگیری تبیین شده است. اصل ۱۰-۱۰ از اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: سنجش، هدایت یاددهی - یادگیری، سنجش و برنامه‌ی درسی بنیادهای نظری

بنیادهای نظری

ارزشیابی به‌عنوان سنجش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی - یادگیری تلقی شود و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود برنامه‌ی درسی و نظام آموزشی استفاده شود.

قبل از اینکه این اصل از اصول سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تبیین شود، ضرورت دارد به‌طور مختصر سه نظریه‌ی اساسی در روان‌شناسی یادگیری معرفی شوند. اولین آن‌ها نظریه‌ی رفتارگرایی است. رفتارگرایی به این معنی است که رفتار را باید به کمک تجربه‌های قابل مشاهده و اندازه‌گیری تبیین کرد، نه اینکه با فرایندهای ذهنی به این امر اقدام کرد (سانتروک، ۲۰۰۴: ۲۱۱). در ضمن، یادگیری برای رفتارگرایان به معنای تغییر در رفتار آشکار است و آن را در قالب نتیجه بررسی می‌کنند. اگر چه در چارچوب رفتارگرایی نظریه‌های گوناگونی پدید آمده‌اند، اما همه‌ی آن‌ها در این نکته اتفاق نظر دارند که موضوع اصلی علم روان‌شناسی رفتار است و روان‌شناسی باید در فرایند شکل‌گیری و گسترش خود، رفتار مشاهده‌پذیر و اندازه‌پذیر را مورد توجه قرار دهد، نه فرایندهای ذهنی غیر قابل دسترس را. از سوی دیگر، روان‌شناسان رفتاری، برای تأثیر محیط بر رفتار انسان اهمیت زیادی قائل‌اند. به همین دلیل، ادانل، ریو و اسمیت (۲۰۰۷) می‌گویند: «از دیدگاه روان‌شناسی رفتاری، مهم‌ترین نکته‌ی قابل توجه رابطه‌ی بین محیط و رفتار است. تغییراتی که در محیط ایجاد می‌شوند، به تغییر در رفتار می‌انجامند.»

دومین نظریه، نظریه‌ی شناخت‌گرایی است. از نظر این گروه از نظریه‌پردازان، یادگیری کسب و بازسازی ساختارهای شناختی است که از طریق آن اطلاعات پردازش و در حافظه ذخیره می‌شوند. به کلامی دیگر، نظریه‌پردازان شناختی معتقدند، یادگیری به‌صورت توانایی‌هایی در فرد ایجاد و در حافظه‌اش ذخیره می‌شود، طوری که هر وقت بخواهد، می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. در این فرایند، نظریه‌های شناختی در ایجاد یادگیری، برای یادگیرنده نقش مهم‌تری قائل‌اند.

سومین نظریه نیز نظریه‌ی برساخت‌گرایی است. این نظریه از پژوهش‌های پیاز، ویگوتسکی، روان‌شناسان گشتالت، بارتلت و برونر، و از فلسفه‌ی پرورشی جان دیویی سرچشمه



زمان و هم در هدف، از یکدیگر جدا هستند. زیرا هدف اصلی آموزش تغییر در رفتار و شناخت یادگیرنده است و هدف از سنجش به این معنا، ارتقای تحصیلی و تفکیک یادگیرندگان از یکدیگر است.

نگاه مذکور باعث می‌شود فرایند سنجش مسیری جداگانه از فرایند یاددهی - یادگیری طی کند. اما واقعیت این است که امروزه غالباً سنجش تعیین‌کننده‌ی فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری یادگیرنده است؛ به طوری که چگونگی یاددهی معلم و نحوه‌ی مطالعه و آنچه یادگیرنده خواهد آموخت، به طور مستقیم از ماهیت سنجش و نتایجی که از آن حاصل می‌شود، تأثیر می‌پذیرد. به ویژه آموزه‌های بزرگان تعلیم و تربیت مانند دیویی، ویگوتسکی، پیازه و سایر دانشمندان شناخت‌گرا نیز این طرز نگاه به سنجش به عنوان ابزاری برای نمره‌دهی، رتبه‌دهی، قضاوت درباره‌ی یادگیرندگان و تعیین برنده و بازنده را نقد و بازنگری کرده‌اند و بر پیوند عنصر سنجش با فرایند یاددهی - یادگیری تأکید دارند. به طوری که در دهه‌های اخیر گرایش به سمت استفاده از سنجش برای بهبود یادگیری و اثربخشی برنامه‌ی درسی، افزایش قابل توجهی یافته است؛ به طوری که از سنجش نه به عنوان سنجش یادگیری، بلکه به عنوان سنجش برای یادگیری یاد می‌شود. این نوع درک از سنجش به طراحی و اجرای سنجش‌هایی منجر می‌شود که یادگیری یادگیرنده را افزایش می‌دهند و به جای اینکه از سنجش در پایان دوره‌ی آموزش استفاده شود، در ضمن اجرای برنامه‌ی درسی آموزگار، صورت می‌گیرد و از نتایج آن برای تکوین (بهبود، اصلاح، تعمیق و تحکیم) یادگیری یادگیرندگان استفاده می‌شود (بلیک و همکاران ۲۰۰۴ به نقل از هارلن، ۲۰۰۷).

این نوع نگاه به عنصر سنجش و نقش آن در برنامه‌ی درسی، بنا بر گفته‌ی شپارد (۲۰۰۰) در پارادایم بر ساخت‌گرایی ریشه دارد. در این دیدگاه، سنجش برای فعالیت‌های آموزشی هر معلمی و فعالیت‌های یادگیری هر یادگیرنده‌ای عنصری تعادل‌دهنده است، زیرا به طور عمده سنجش در کلاس درس به عمل می‌آید و به این منظور هر معلمی نیاز دارد در کلاس درس از انواع سنجش به تناسب نیاز و هدف، استفاده کند. علاوه بر این، یادگیرندگان نیز برای دریافت بازخورد از طریق سنجش‌های رسمی و غیررسمی، برای نمایش آنچه می‌دانند و یاد گرفته‌اند، به فرصت‌هایی نیاز دارند. هنگامی که آموزگار به طور هماهنگ از راهبردهای سنجش در کلاس درس استفاده می‌کند، می‌تواند به یادگیرندگان کمک کند از توانایی‌های خودشان آگاه شوند و ضعف‌هایشان را رفع کنند (به نقل از یادگارزاده و پرند، ۱۳۸۸). در واقع، سنجشی که جزو جدایی‌ناپذیر فرایند

می‌گیرند و این‌ها تنها بخشی از سوابق را شامل می‌شوند» (وولفلک، ۲۰۰۴: ۳۲۳).

برساخت‌گرایی به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است، اما همه‌ی آن‌ها بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید می‌کنند. بنا به گفته‌ی سانتروک (۲۰۰۴)، «برساخت‌گرایی نوعی رویکرد یادگیری است که بر فعال بودن یادگیرنده در ساختن دانش و فهم تأکید می‌کند» (ص ۵۶۱).

همچنین شانک (۲۰۰۰) گفته است: «برساخت‌گرایی، یک دیدگاه روان‌شناختی و فلسفی است که طبق آن افراد بیشتر آنچه

را که یاد می‌گیرند و می‌فهمند، خود می‌سازند و شکل می‌دهند (ص ۲۲۹). خلاصه اینکه برساخت‌گرایی بر این اندیشه استوار است که یادگیرندگان دانش خود را از تجربه‌هایشان به دست می‌آورند (ارمرود، ۱۹۹۵).

در گذشته، یعنی زمانی که رویکرد رفتارگرایی بر تعلیم و تربیت حاکم بود، تصور دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه آموزگار (به عنوان افرادی که برنامه‌ی درسی قصد شده توسط آنان در کلاس درس اجرا می‌شود) نسبت به سنجش این بود که سنجش آخرین عنصر از عناصر اصلی هر برنامه‌ی درسی است. به این معنا که سنجش پایان‌دهنده‌ی فعالیت‌های آموزشی معلمان و تابع اهداف آن‌هاست. بنابراین، بر پایه‌ی آن به نتایج و کوشش‌های یادگیری یادگیرنده نمره داده می‌شود که او بتواند به پایه‌های بالاتر تحصیلی ارتقا یابد. استیگینز (۲۰۰۷) می‌گوید، در این دوره‌ی زمانی، نقش اصلی سنجش، یافتن و برجسته کردن تفاوت‌های یادگیرندگان و رتبه‌بندی آنان بر اساس پیشرفت تحصیلی است. عمل به این هدف از سنجش، بنا به گفته‌ی بث گراو (۱۹۹۳)، به نقل از شپارد، (۲۰۰۰) به این معناست که سنجش و آموزش، هم در

یاددهی - یادگیری تلقی شود، می‌تواند به ارائه‌ی آموزش پویا، کارآمد و اثربخش برای موفقیت یادگیرندگان در دستیابی به هدف‌های آموزشی و پرورشی از پیش تعیین‌شده‌ی برنامه‌ی درسی کمک کند.

کاربرد عملی اصل ۱۰ در کلاس درس

آموزگاری طبق معمول وارد کلاس درس شد. اما امروز، علاوه بر کتاب درسی و لوازم تحریر، یک ساعت دیواری نیز به همراه داشت. بعد از سلام و احوال‌پرسی با دانش‌آموزان، با اشاره به ساعت دیواری، از آنان پرسید این چیست؟

دانش‌آموزان گفتند: «یک ساعت دیواری است.»

معلم پرسید: «وجود یک ساعت دیواری در کلاس برای ما چه فایده‌ای دارد؟»

دانش‌آموزان جواب‌هایی به این شرح دادند:

- متوجه گذشت زمان می‌شوم.

- از ساعت زنگ تفریح آگاه می‌شوم.

- متوجه می‌شوم که زنگ خانه کی می‌رسد.

- و

آموزگار بعد از شنیدن جواب‌های دانش‌آموزان، از آنان پرسید: چگونه؟

دانش‌آموزان هر یک پاسخی دادند. یکی گفت: «روی صفحه‌ی ساعت، ۱۲ عدد از ۱ تا ۱۲ نوشته شده است: آن دانش‌آموز جلو آمد و اعداد را روی صفحه‌ی ساعت به معلم نشان داد. سپس آموزگار به اتفاق دانش‌آموزان اعداد ۱ تا ۱۲ را با صدای بلند با هم شمردند.

یکی از دانش‌آموزان گفت: «اگر این عقربه‌ی کوچک ساعت روی عدد ۱۲ قرار بگیرد، متوجه می‌شوم وقت اذان ظهر است.»

دانش‌آموز دیگری گفت: «به عقربه‌ی کوچک، ساعت‌شمار می‌گویند. عقربه بزرگ دقیقه‌شمار است و به آن یکی که تندتر حرکت می‌کند، ثانیه‌شمار می‌گویند. هر وقت عقربه‌ی کوچک روی ۱۲ و عقربه‌ی بزرگ روی ۶ قرار بگیرد، می‌فهمم که زنگ مدرسه خورده است و باید به خانه بروم.»

آموزگار از او پرسید: «آیا هر وقت این عقربه‌ی کوچک روی عدد ۱۲ و عقربه‌ی بزرگ روی عدد ۶ قرار بگیرد، یعنی مدرسه تعطیل شده است؟»

دانش‌آموز گفت: «بله، اما، نه همیشه.»

- چطور مگر؟

- در طول یک شبانه‌روز، دو بار این اتفاق می‌افتد؛ یک بار ظهر و یک بار آخر شب.

- قبول دارم، ولی دوباره برایم توضیح بده.

دانش‌آموز دیگری گفت: «هر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است و ساعت با هر چرخش کامل، نصف شبانه‌روز را نشان

می‌دهد. اگر ساعت شمار دو بار کامل بچرخد، یعنی یک شبانه‌روز گذشته است.»

- پس یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت است.

آموزگار رو کرده دانش‌آموزان و از آنان پرسید: «اگر آن عقربه‌ی کوچک بین عدد ۱۲ و ۱ و عقربه‌ی بزرگ روی عدد ۶ باشد، چه ساعتی را نشان می‌دهد؟

دانش‌آموزی گفت: «۱۲/۵.»

یکی دیگر گفت: «۱۲/۳۰ دقیقه.»

آموزگار پرسید: چرا ۳۰ دقیقه؟»

دانش‌آموز گفت: «هر یک ساعت ۶۰ دقیقه است.

عقربه‌ی بزرگ دقیقه را نشان می‌دهد. بعد روی ساعت نشان داد که اگر عقربه‌ی بزرگ بیاید روی عدد ۱، یعنی ۵ دقیقه و اگر بیاید روی عدد ۲ یعنی ۱۰ دقیقه و همین‌طور اگر بیاید روی عدد ۶ یعنی ۳۰ دقیقه از ۱۲ گذشته است.»

آموزگار با تأیید سخنان دانش‌آموز، چنین ادامه داد: «هر ۶۰ دقیقه یک ساعت می‌شود. از آنجا که ساعت معلم درجه‌بندی شده بود، او هر دقیقه را روی صفحه‌ی ساعت نشان داد. در این میان، از دانش‌آموزان پرسید: «اگر این عقربه که تندتر حرکت می‌کند و شما به آن ثانیه‌شمار گفته‌اید، روی عدد ۲ قرار بگیرد و سایر عقربه‌ها به شکل زیر باشند، نشان‌دهنده‌ی چه ساعتی است؟»



همه‌ی دانش‌آموزان کلاس یک‌صد و با شادی گفتند: «ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه و ۱۰ ثانیه‌ی ظهر است و ما باید برویم خانه.»

آموزگار با خنده گفت: «امروز می‌خواستم به شما درس بدهم که یک شبانه‌روز ۲۴ ساعت و هر ساعت ۶۰ دقیقه و هر دقیقه ۶۰ ثانیه است و این وسیله، گذشت زمان را به ما نشان می‌دهد. بروید به امید خدا.»

منابع

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۴). سنجش فرایند و فرآورده‌ی یادگیری: روش‌های قدیم و جدید، دوران: تهران.
۲. شریفان، احمد (۱۳۹۱). سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: فلسفه، اصول و انواع سنجش. وانی، تهران.
۳. یادگاززاده، غلامرضا و پرند، کوروش (۱۳۸۸). گفتارهایی در سنجش آموزش: تأملی بر نقش سنجش در برنامه‌ی درسی، تدریس و یادگیری، نوای مهتاب: تهران.

موتور برق چند پایه



دکتر سید عبدالرحمن اعتماد
مدرس دانشگاه فرهنگیان

آموزگار کلاس چندپایه معمولاً چاره‌ای جز استفاده از روش تدریس تلفیقی ندارد. این روش، کمبود زمان در کلاس‌های چندپایه را جبران می‌کند. سالیان قبل مدیر و آموزگار دبستان روستای انارستان از دهستان انارستان، بخش عقدا، شهرستان اردکان یزد بوم و پنج پایه‌ی تحصیلی را هم‌زمان تدریس می‌کردم. در نگاه اول، تدریس در چنین کلاس‌هایی بسیار سخت پیش‌بینی می‌شود. اما در صورتی که آموزگار به کارش علاقه‌مند باشد، آرام آرام به اداره‌ی کلاس چندپایه مسلط می‌شود و با شگردهای خلاقانه، راهبردهایی برای تدریس مؤثر پیدا می‌کند.

خانه یا دبستان

دبستان ما در خانه‌ی کسی فعالیت آموزشی داشت که فقط دو اتاقش را در اختیار آموزش و پرورش قرار داده بود. یک اتاق برای بیتوته‌ی آموزگار بود و اتاق دیگر به کلاس درس اختصاص یافته بود. روستا در آن زمان آب لوله‌کشی نداشت و یک موتور برق داشت که آن‌هم فقط در دو ساعت اول شب روشن می‌شد و برق‌رسانی به خانه‌ها، از جمله مدرسه، در همان دو ساعت ابتدای شب بود. آب شرب و آب مصرفی خانگی، کشاورزی و دام‌پروری، از چند چشمه‌ای تأمین می‌شد که آب به نسبت شیرینی داشت و حدس می‌زدند به سفره‌ی زیرزمینی دشت یزد - اردکان اتصال داشته باشد.

انارستان و کیکوه

دانش‌آموزان دبستان از دو روستای انارستان و کیکوه بودند، اما در این دبستان از تنش‌هایی که بین دانش‌آموزان چندپایه پیش می‌آمد، خبری نبود. من حتی یک مورد را هم به یاد نمی‌آورم. وقت آموزگار به هیچ‌وجه صرف رفع تنش‌ها و چالش‌ها نمی‌شد و فرصتی ایده‌آل تلقی می‌شد. تکرار مطالب پنج پایه در هر روز و یادآوری آموخته‌های گذشته، برای دانش‌آموزان دوم تا پنجم فرصتی بود به منظور اصلاح آموخته‌های ناقص قبلی. مطرح‌شدن مباحث پایه‌ی بالاتر، برای دانش‌آموزان پایه‌ی پایین‌تر فرصت‌های خودآموزی فراهم می‌کرد. تلفیق برنامه‌ی درسی نیز ظرفیت‌های آموزشی گسترده‌تری را در کلاس چندپایه فراهم می‌کرد.

تصور اینکه محتوا مانند کلاس‌های تک‌پایه و با دانش‌آموزان تقریباً یکدست آن‌ها ارائه شود، فقط خیال است. در کلاس پنج‌پایه دانش‌آموزان قسمت‌هایی از محتوا را به صورت خودخوان مطالعه می‌کردند. شعرهای فارسی برای تمام دانش‌آموزان جذابیت داشتند و انگیزه را برای توجه همه‌ی دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس فراهم می‌کردند.

ورزش، روستاگردی و تلفیق

درس تربیت‌بدنی با شرکت دانش‌آموزان دو یا سه پایه به صورت هم‌زمان انجام می‌شد و طراحی آموزشی به نحوی صورت می‌گرفت که یکی از دانش‌آموزان پایه‌ی بالاتر، در زنگ ورزش در حیاط مدرسه مواظب سایر دانش‌آموزان باشد. استفاده از معلم‌یار نه تنها اجتناب‌ناپذیر بود، بلکه یکی از راهبردهای اساسی در کلاس پنج‌پایه بود. معلم‌یار به نوعی مجبور بود به شکل تسلط‌یاب بر موضوعات کلاس پایین‌تر از خود مسلط شود و این کار را در فرصت‌های غیر از مدرسه انجام می‌داد.

روستاگردی در باغ، صحرا، دشت و کوه، به صورت جمعی و بدون تفکیک پایه صورت می‌پذیرفت. تلفیق هم‌زمان بعضی از موضوعات مثلاً ریاضی، علوم و جغرافیا هم امکان‌پذیر بود و انجام می‌شد. معمولاً با دست‌کاری در زمان تدریس، موضوعاتی که پیوندهای بیشتری داشتند، هم‌زمان تدریس می‌شدند. تمام طراحی تدریس در شب قبل و در همان دو ساعتی که موتور برق روستا روشن می‌شد، انجام می‌گرفت.

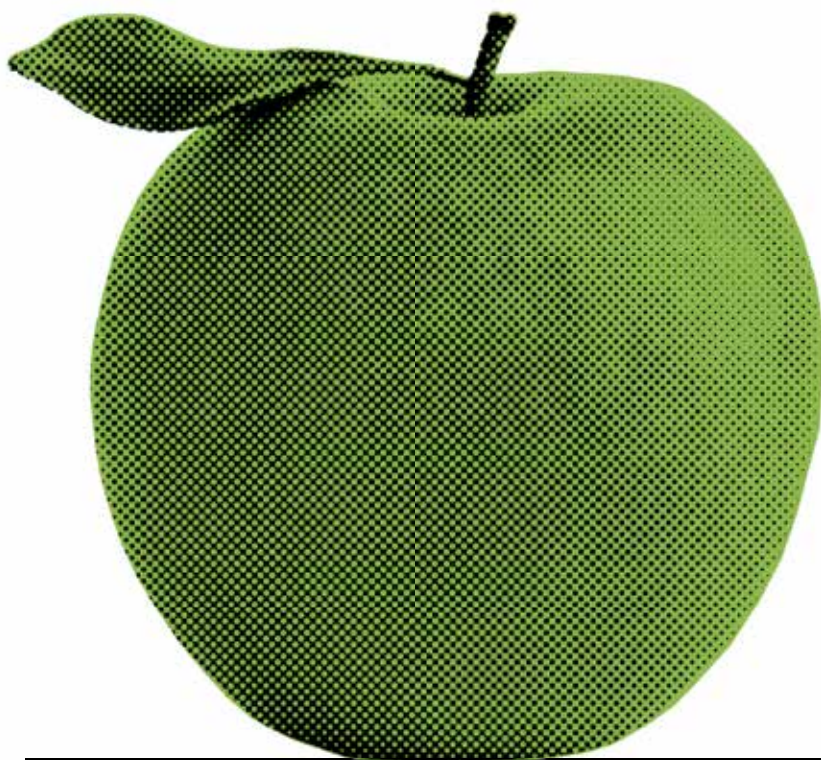


اول یا دوم

انگیزش یا مقایسه



روانشناس تربیتی
ابراهیم اصلانی



در شماره‌های پیشین، بعد از مروری بر تعریف انگیزش، مواردی از اشتباهات عمده‌ی انگیزشی در تربیت رسمی و غیررسمی مورد بحث قرار گرفت. در این شماره، نویسنده بر جایگاه «مقایسه» در انگیزش تمرکز دارد. در موقعیت‌های زیادی مریبان و والدین برای ایجاد انگیزه به مقایسه روی می‌آورند و تصور می‌کنند اگر بچه‌ها را به‌نوعی رودرروی یکدیگر قرار بدهند یا آن‌ها را به رخ هم بکشند، آن‌ها برای تلاش تحریک می‌شوند؛ در حالی که نتیجه‌ی مقایسه، بیش از آنکه تلاش برای موفقیت باشد، برای برتری‌جویی و پیش افتادن از دیگران است.

مبنای انگیزش نباید مقایسه باشد

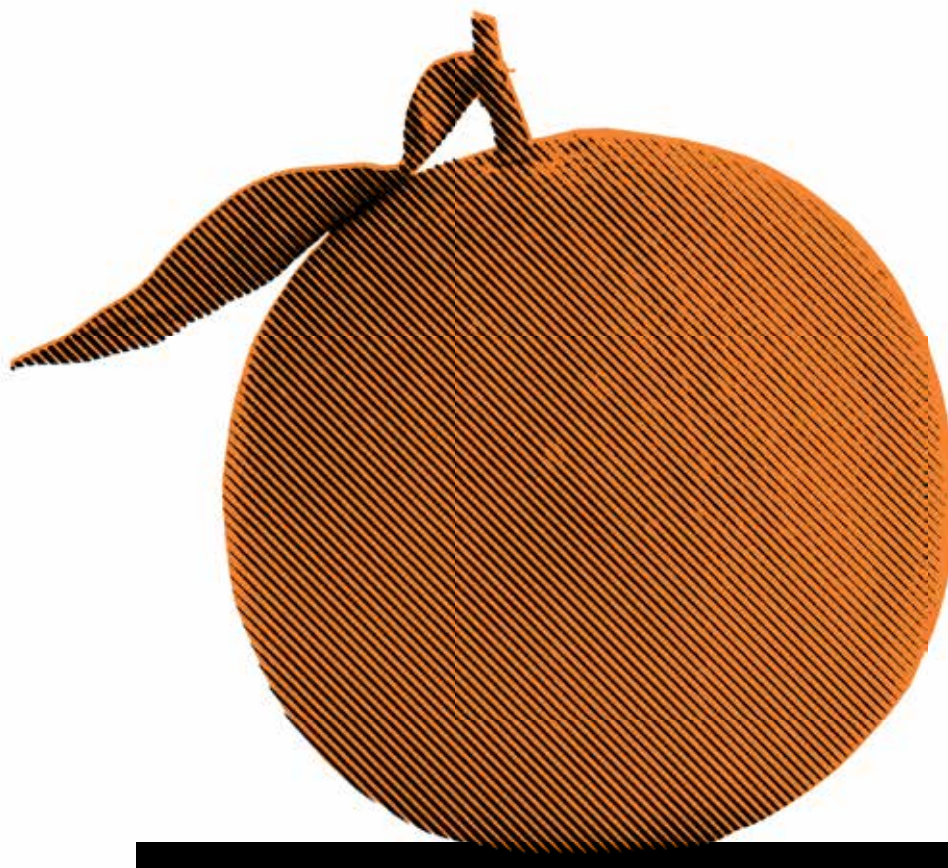
ما معمولاً در انگیزش به مبانی فکر و عملمان دقت نمی‌کنیم. انگیزش، به‌ویژه در وضعیت جمعی و زمانی که بین گروه اتفاق می‌افتد، ناخواسته به سمت تفکر مقایسه پیش می‌رود. در کلاس، آموزگار برای تحریک دانش‌آموزان به مقایسه روی می‌آورد. معلم ورزش برای آنکه بچه‌ها را به تلاش بیشتر ترغیب کند، با عدد و رقم و رکورد، پای مقایسه را پیش می‌کشد. در جمع خانوادگی، برای آنکه بچه‌ها را به کاری وادارند، مثلاً اینکه ساکت باشند یا کمک کنند، از کلک مقایسه استفاده می‌کنند. در خانه هم مادر و پدر با رودررو قرار دادن فرزندان یا

مقایسه‌ی فرزندشان با بچه‌های دیگر، فکر می‌کنند کار انگیزشی کرده‌اند. مقایسه، حتی اگر مؤثر باشد و به کار مریبان و والدین بیاید، آن‌قدر مضرات دارد که بتوان آن را کنار گذاشت. اولین آفت مقایسه آن است که تفاوت‌های فردی را زیر پا می‌گذارد. همگی ما به اصل «رعایت تفاوت‌های فردی» در تربیت اعتقاد داریم و می‌پذیریم که هر انسان موجودی منحصر به فرد است. تفاوت‌های فردی یعنی آنکه هر کودک یا نوجوان در فرایند تربیت شرایط خاصی داشته است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. مهم‌ترین کارکرد اصل تفاوت‌های فردی در تربیت، مقایسه‌نکردن است. اگر قبول داریم که هر انسان موجود ویژه و متفاوتی است، چه دلیلی دارد یکی را با دیگری مقایسه

کنیم؟ اما به‌طور معمول، در انگیزش این اتفاق می‌افتد و بدون اینکه متوجه باشیم، برای تحریک افراد و ایجاد انگیزه، به مقایسه‌ی آنان با یکدیگر متوسل می‌شویم. انگیزش لازم نیست بر مبنای مقایسه باشد و هر جا چنین شد، بدانیم که داریم اشتباه می‌کنیم.

انگیزش مستلزم طبقه‌بندی نیست

دسته‌بندی کودکان و نوجوانان یا دانش‌آموزان هم نوع دیگری از نادیده‌گرفتن تفاوت‌های فردی است. در خانواده یا فامیل گاهی پیش می‌آید که بچه‌ها براساس موضوعی مانند جنسیت، هوش و استعداد دسته‌بندی و بر این اساس قضاوت می‌شوند. یک نمونه‌ی آشکار چنین اتفاقی در مشاجرات خانوادگی دیده می‌شود که یکی از



طرفین همه‌ی اعضای خانواده‌ی طرف دیگر را به موضوعی مانند کم‌هوشی یا بی‌استعدادی متهم می‌کند و انگیزش آنان را هم زیر سؤال می‌برد. در مدرسه هم ممکن است دانش‌آموزان براساس طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی شوند و از نظر انگیزشی به میزان‌های متفاوتی مورد توجه قرار گیرند. وقتی گروه یا فرد خاصی در کلاس، در دسته‌ی ویژه و به اصطلاح عزیزدردانه قرار می‌گیرد، از امتیازهای انگیزشی ممتاز مانند توجه بیشتر، ارفاق در نمره، تشویق کلامی، و تسهیل در دریافت جایزه برخوردار خواهد شد. این نوع دسته‌بندی ممکن است ملاک‌های دیگر داشته باشد و خیلی وقت‌ها هم جنبه‌ی ذهنی دارد؛ یعنی جایی نوشته یا اعلام نشده، ولی بین عده‌ای یا همه جا افتاده است.

هر نوع طبقه‌بندی و تمایز جایگاه بین افراد، نه فقط با رعایت تفاوت‌های فردی منافات دارد، بلکه نقض شأن انسان‌ها محسوب می‌شود. در انگیزش همه جایگاه یکسانی دارند و نباید برای فرد یا گروهی برتری خاص یا امتیاز ویژه‌ای قائل شد. حتی برتری در درس و فعالیت‌های دیگر مدرسه‌ای هم نباید عامل تفاوت در رفتار انگیزشی مدیر و معلم باشد. نگرش انسانی و تربیتی ایجاب می‌کند مریبان و والدین به همه نگاهی مساوی و عادلانه و فارغ از هر نوع دسته‌بندی و جهت‌گیری داشته باشند.

انگیزش اول و دوم نمی‌خواهد

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تربیتی مدرسه، ایجاد و تقویت انگیزه در دانش‌آموزان است، آن هم نه فقط انگیزش تحصیلی، بلکه انگیزش تلاش، پیشرفت و درست زیستن. مدرسه‌ای که به مقایسه و رقابت اهمیت می‌دهد، هر چه هم از جو انگیزشی مطلوب سخن بگوید، باز به انگیزش یک‌طرفه مبتلاست. انگیزش بر مبنای مقایسه، حتی اگر در انگیزش مؤثر باشد، مبنای درستی برای انگیزش نیست. عینک مقایسه موجب می‌شود افراد

برنامه‌های تقدیر و اهدای جایزه، معمولاً شاگرد اول و دوم‌ها افراد مشخصی هستند و کم و بیش تغییر می‌کنند. اسم آن‌ها اعلام می‌شود، از پله‌ها بالا می‌روند، جایزه‌شان را می‌گیرند، سیاهی‌لشکر برای آن‌ها دست می‌زنند و عوامل مدرسه خوشحال‌اند که اقدامی انگیزشی انجام داده‌اند!

در مدرسه‌ها و به ویژه دبستان‌ها، رسوم دیگری هم برای رتبه‌بندی وجود دارد که یکی از رایج‌ترین آن‌ها نصب عکس دانش‌آموزان در تابلویاروی یک طرح تصویری، برای مشخص کردن تلاش بچه‌ها در پیشرفت تحصیلی و رتبه‌شان در کلاس است. وقتی قرار است شاگردان اول و دوم و سوم داشته باشیم، به برترها توجه بیشتری نشان بدهیم و ملاک شایستگی را نوعی از برتری تعیین کنیم، خودبه‌خود نمی‌توانیم به همه یکسان توجه کنیم.

تفکیک و دسته‌بندی شوند. یکی از این دسته‌بندی‌ها تعیین شاگردان اول و دوم است که در بیشتر مدرسه‌های ما رویه‌ای جاری است. ظاهراً قرار است رتبه‌بندی بچه‌ها و تعیین شاگردان اول و دوم به انگیزش کمک کند، اما چگونه؟ رتبه‌بندی در بیشتر موارد به نفع دانش‌آموزان قوی یا سطح بالاست. وقتی در دبستان شاگردان اول و دوم اعلام می‌کنیم، در واقع نفع اصلی را آن‌هایی می‌برند که به اصلاح برترند. این رتبه‌بندی در نهایت بتواند به کسانی کمک کند که یک قدم از اول و دوم‌ها عقب هستند. یعنی طیفی از دانش‌آموزان سطح بالا که رقیب هم محسوب می‌شوند. رتبه‌بندی به‌طور معمول برای دانش‌آموزان متوسط و ضعیف فایده‌ای ندارد و آن‌ها بیش از آنکه برای تلاش انگیزه‌ای بیابند، نقش سیاهی‌لشکر را بازی می‌کنند. در

به چه کار آید؟

کارگاه درست گفتن و درست گوش دادن



دکتر احمد رضا آذربایجانی

هر برنامه‌ی درسی از طریق راهبردهای متناسب با آن برنامه‌ی اهدافی را دنبال می‌کند. هدف برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان یا به‌اختصار «فبک»، تربیت فیلسوف یا مطالعه‌ی فلسفی نیست، بلکه قرار است از طریق راهبرد گفت‌وگو، کودکان بتوانند «با هم فکر کردن» را یاد بگیرند و در تعاملات اجتماعی با یکدیگر، در عین همدلی، حرف‌های هم را درست گوش بدهند، یا در زمان ابراز نظر، درست بگویند و قدرت تعمق داشته باشند و اگر در جایی فهمیدند نظرشان اشتباه بوده، «خودتصحیحی» کنند. رابطه‌ی آموزگار و شاگرد در این فرایند، رابطه‌ی تسهیلگرانه است. به این معنی که قرار نیست مربی مجموعه اطلاعاتی را در شاگرد سپرده‌گذاری یا به او منتقل کند. از این رو، آموزگار در این شیوه باید فعال باشد و همان‌گونه که در آخر هر جلسه، شاگردان از فعالیت آن جلسه خودارزیابی دارند، او نیز در خود یک یادگیری جدید را تجربه کرده باشد. در اینجا قرار است یکی از تمرین‌های این برنامه‌ی درسی را با شما به اشتراک بگذارم.

کلیدواژه‌ها: فبک، گوش دادن، فکر کردن

«درست گفتن» و «درست گوش دادن»

این تمرین را در فرایندهای یادگیری الکترونیک نیز می‌توان تجربه و آثار خوب آن را مشاهده کرد. در فرایند حضوری لازم است اعضای کلاس به‌صورت دو نفری انتخاب شوند. این کار بهتر است از طریق قرعه‌کشی صورت بگیرد. مثلاً آموزگار یا تسهیلگر، از ته کلاس شماره‌گذاری کند و شماره‌ها را روی تخته بنویسد و با انتخاب اتفاقی هر دو نفر، شماره‌هایشان را از روی تخته پاک کند.

هر دو نفر کاغذ سفید یکسان و مداد داشته باشند. در بالای یکی از کاغذها نام و نام خانوادگی را بنویسند و در مقابل آن بنویسند «طراح و گوینده». در کاغذ دیگر، پس از نام و نام خانوادگی، ذکر کنند «گوش‌دهنده و شنونده». هر گروه کد گروهی خود را نیز روی

طرف مقابل کند، طرحی را تصویر می‌کند. در حین تصویر خطوط طرح، آن‌ها را برای همکار خود، یعنی گوش‌دهنده، بازگو می‌کند. گوینده باید با در نظر گرفتن توانایی طرف مقابل، طرح خود را بسنجد و به نحوی توضیح دهد که طرح طرف مقابل به طرح او نزدیک شود. گوینده و طراح می‌توانند با ذکر ابعاد و اندازه‌ها و شکل‌های ساده، طرف مقابل را راهنمایی کنند. تسهیلگر در این شرایط سکوت می‌کند و با گشت‌زدن بین شاگردان، زمان را یادآوری می‌کند یا اگر شاگردان بعضی از نمادهای ورزشی و باشگاهی را برای یکدیگر پیشنهاد کرده‌اند، از آن‌ها می‌خواهد شکل‌های دیگری نیز در طرح اضافه کنند و یادآوری می‌کند طرح‌های کلیشه‌ای و نمادین، به‌تنهایی قابل قبول نیستند. مربی یادآوری می‌کند بچه‌ها روی دست هم را نبینند. البته چون فضای پرهیجانی است، بعضی شاگردان از روی دست هم خواهند دید، ولی با توجه به وقت محدود و تذکرات توأم با جدیت ولی پر از شادی تسهیلگر، در این فرایند یادگیری‌های جدی خواهند بود.

– معلم یکی از بچه‌ها را دعوت می‌کند تا با هم‌دیگر فعالیت کلاسی را تجربه کنند و همگی آن را ببینند. کاغذش را برمی‌دارد و مشخصات خود و همکارش، برای مثال علی، را روی آن می‌نویسد. سپس از علی می‌خواهد او هم مشخصاتش را در دو برگه‌ای که دارد، بنویسد. سپس در بالای یکی از دو برگه‌ی خودش می‌نویسد گوینده و در بالای دیگری می‌نویسد شنونده. گروه خودشان را هم «الف» نام می‌گذارد. از همکارش هم می‌خواهد این کار را انجام دهد. او و همکارش، علی، نشسته‌اند. بچه‌ها دور معلم و همکارش حلقه می‌زنند و شاهد فعالیت آن‌ها هستند. معلم کاغذی را که در مقابل دارد، افقی می‌کند و به همکارش می‌گوید: «لطفاً کاغذ را افقی کن.» معلم از سمت راست کاغذ دو سانتی‌متر به‌طرف داخل خطی را می‌کشد و به همکارش می‌گوید: از سمت راست، حدود دو سانتی‌متر به‌طرف داخل، خطی از بالا به پایین بکش. حالا به موازات آن خط، حدود یک سانت خط دیگر بکش. یادت باشد قرار است این خط‌ها تته‌ی یک درخت بشوند. حالا بالای این تته را

برگه اضافه کند. کد گروهی می‌تواند بر اساس حروف الفبا باشد. یعنی در بالای هر صفحه معلوم باشد کدام دو نفر با تعامل یکدیگر این فعالیت را انجام خواهند داد.

– افراد هر گروه به‌صورت دو نفری پشت به پشت هم بنشینند و دست‌به‌قلم آماده باشند.

– آقا معلم به بچه‌ها می‌گوید: امروز فعالیتمان را در نمازخانه انجام می‌دهیم. یک کار مهیج داریم. به توضیحات من به‌دقت گوش کنید. لطفاً همگی در بالای کاغذتان مشخصات خودتان و نام همکارتان را بنویسید.

مدت زمان توضیح تسهیلگر و آماده شدن برای فعالیت: ۱۰ دقیقه

– ابتدا یکی از دو نفری که در نقش طراح و گوینده است، بدون آنکه روی خود را به

چند شکل مثل عدد هفت بکش و آن‌ها را به شاخه‌های باریک ترسیم کن و اطراف شاخه‌ها برگ‌های دایره‌ای ریز بکش. یادت باشد این برگ‌ها نباید از قطر سه میلی‌متر بیشتر شوند. همان‌طور که کاغذت افقی است، ارتفاع آن را سه قسمت کن. دو قسمت را برای زمین بگذار، یک قسمت برای آسمان و یک خط افق هم بکش. روی خط افق سه کوه مثلثی ساده ترسیم کن که از اول صفحه تا آخر صفحه را می‌گیرد. یادت باشد کوه اولی از دومی بزرگ‌تر و کوه دومی از سومی بزرگ‌تر باشد. (چون علی طرح را زودتر کشیده بود، اندازه‌ها فرق کرده بودند. شاگردان از تفاوت‌های ایجاد شده می‌خندند. بعضی دلشان می‌خواست طرح ترسیمی علی نزدیک به طرح آقا معلم باشد و بعضی‌ها دلشان می‌خواست طرح‌ها از هم دور باشند تا کمی بخندند). معلم از او می‌خواهد یک آدم بکشد که به درخت تکیه داده است. آقا معلم یک پسر بچه می‌کشد و علی یک آقای شیک را ترسیم می‌کند. بچه‌ها خنده‌شان می‌گیرد. آقا معلم بدون آنکه به نقاشی علی سرک بکشد، می‌گوید: تو می‌توانی بررسی آدم چه جنس یا چه اندازه‌ای دارد؟ یکی از بچه‌ها می‌گوید، پس آقا این کار فقط تمرین خوب گفتن و خوب گوش دادن نیست، بلکه برای خوب سؤال کردن هم هست. آقا معلم می‌گوید: سؤال کردن هم بخشی از خوب گوش دادن است، ولی لازم است محدود باشد و شما وقت کمی برای آن دارید.

علی به نقاشی سرک می‌کشد و دارد تفاوت‌های نقاشی‌اش را پاک می‌کند که آقا معلم می‌گوید: بچه‌ها، اولاً نباید در کار هم سرک بکشید. دوم اینکه اگر قرار بر مصرف زیاد پاک‌کن باشد، پیشنهاد می‌کنم پاک‌کن را حذف کنید. یادتان باشد پاک‌کن برای کارهای کوچک است. باید در وقتی که تعیین می‌کنم، کار جفتان تمام شده باشد.

– آقا معلم از بچه‌ها می‌خواهد هر کدام با همکارشان پشت به پشت در نمازخانه بنشینند. معلم به شاگردان می‌گوید: فقط ۱۰ دقیقه وقت دارید.



مدت زمان فعالیت: ۸ تا ۱۰ دقیقه

- جای گوینده و شنونده عوض شده و همین تجربه تکرار می‌شود. در فرایند الکترونیک، تسهیلگر از دو نفر می‌خواهد تمرین‌ها را از طریق یک پیام‌رسان، بدون دیدن اثر یکدیگر، و صرفاً با گفتن دقیق و گوش‌دادن درست، طراحی کنند و پس از اتمام برای او ارسال کنند. آموزگار پس از ده دقیقه، در حالی که نام و مشخصات را چک می‌کند، طرح‌ها را از بچه‌ها جمع می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد این بار جای گوینده و شنونده عوض شود.

مدت زمان فعالیت: ۸ تا ۱۰ دقیقه

- با کمک خود شاگردان طراحی‌های هر دو نفر را کنار هم روی دیوار می‌چسبانند. از شاگردان خواسته می‌شود نزدیک‌ترین دو طرح به هم یا فاصله‌دارترین طرح‌ها از هم را انتخاب و در مورد آن‌ها گفت‌وگو کنند. مربی تسهیلگر باید در فضایی همدلانه تلاش کند تا اعضا بهانه‌هایی برای گفت‌وگو و با هم فکر کردن داشته باشند. در این فرایند، آموزگار می‌تواند غیر از توجه به سؤالات و ابراز نظر شاگردان، به مقتضای فضای کارگاه از این سؤالات استفاده کند:

- این موضوع و فعالیت به چه دردی می‌خورد؟
چرا ما این پروژه را اجرا کردیم؟
- اگر مردم درست بگویند و درست گوش کنند، چه پیامدی دارد؟

- علت اینکه بعضی از طرح‌ها خیلی از هم دورند، چیست؟ آیا گوش‌دادن خوب نبود یا درست گفتن؟ ممکن است اشکال از توان طراحی افراد بوده باشد؟ آیا خوب طراحی کردن با خوب گوش‌دادن و درست گفتن رابطه‌ای دارند؟
- آیا حاضرید این تمرین را در خانواده و با دیگر اعضا تجربه کنید؟ چرا؟
- دفعه‌ی بعد برای نزدیک‌تر شدن طرح‌ها به هم، چه کاری خواهید کرد؟
- آیا این موضوع (فعالیت فوق) در مورد آموزگار و شاگرد هم معنا و مصداق دارد؟
بچه‌ها زیر نظر آموزگار طرح‌هایشان را زیر هم به دیوار می‌چسبانند. یکی از بچه‌ها می‌گوید: آقا نمی‌شد طرح‌ها را روی زمین بچینیم؟
آقا معلم پاسخ می‌دهد: بله می‌شود. می‌توانید دفعه‌ی بعد طرح‌هایتان را روی زمین بچینید. بچه‌ها خودشان می‌گویند که کدام روش بهتر است.
بعضی بچه‌ها می‌گویند آقا، کار ما خراب شد. نمی‌شود صرف‌نظر کنید؟ بعضی هم به خندیدن و شوخی مشغول می‌شوند. آقا معلم آن‌ها را دلداری می‌دهد و می‌گوید مطمئن هستم دفعه‌ی بعد بهتر می‌شود. بگذارید آن‌ها را با هم بررسی کنیم.

مدت زمان گفت‌وگو در مورد فعالیت:**۳۰ تا ۴۰ دقیقه**

- در این بخش لازم است اعضا خودارزیابی کنند. خودارزیابی‌ها می‌تواند حول سه موضوع باشد:
۱. نظرم در مورد یک باور تغییر کرد

(مثلاً فهمیدم چقدر خوب گوش‌دادن مهم است، در حالی که قبلاً این‌طور فکر نمی‌کردم). مربیان حرفه‌ای به خودتصحیحی‌ها توجه ویژه دارند.
۲. نکات یا نکته‌ی جدیدی یاد گرفتم و کشف تازه‌ای داشتم.

۳. مسئله یا سؤال جدیدی برایم طرح شد.

شاگردان می‌توانند مطالب خود را با این واژه‌ها شروع کنند:

من فهمیدم که...؛ به نظر من...؛ یک خودتصحیحی دارم و آن...؛ سؤالی برایم طرح شده و آن....

اگر کسی نظرش شبیه یکی از اعضا بود، می‌تواند بگوید: نظر من شبیه دوستم فلانی بود (که تسهیلگرگاه می‌تواند بگوید لطفاً نظر دوستت را تکرار کن).

محمد: آقا ما فهمیدیم خیلی از مرحله پرتیم (و همه می‌خندند).

آقا معلم می‌گوید: شوخی‌ات را کردی، حالا واضح‌تر توضیح بده تا بفهمیم منظور تو چیست؟

- آقا، من فهمیدم نه خوب می‌گویم و نه خوب می‌شنوم.

- آفرین. نفر بعدی ارزشیابی‌اش را بگوید؟
حسن می‌گوید: آقا، طرحی که من توضیح دادم، انگار بهتر است از طرحی که آرش برای من گفته! خودتان مقایسه کنید؟

آقا معلم طرح دوم او را پیدا می‌کند و کنار آن‌ها می‌گذارد. از بچه‌ها نظر می‌خواهد. همه موافق حرف حسن هستند. آرش می‌گوید، فکر کنم من خوب گوش کرده‌ام.

طاها دستش بالا است و مرتباً می‌گوید آقا من بگویم؟ من بگویم؟ و با اجازه‌ی آقا معلم می‌گوید: من فهمیدم که اگر هم گوینده و هم شنونده خوب باشد، طرح‌ها خیلی به هم نزدیک می‌شوند. آیدین می‌پرسد: آقا، خوب گفتن مهم‌تر است یا خوب گوش‌دادن؟

آقا معلم می‌گوید: چه سؤال خوبی! نظر شما چیست بچه‌ها؟

زمان خودارزیابی: ۱۰ تا ۱۵ دقیقه



رسم سعدی شاعری برای هبسی قرن‌ها

حامد ابتهاج

لطیفه‌هایی از سعدی

شاگردی بی ادبان
به لقمان گفتند ادب از که آموختی؟
گفت: «از بی ادبان. هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از آن عمل دوری کردم.»

زنبور بی غسل

به یکی گفتند: «عالم بی عمل به چه ماند؟»
گفت: «زنبور بی غسل»^۳.

پسر کودن

وزیری پسری سبک مغز داشت. پسر را پیش دانشمندی فرستاد تا او را تربیت کند که عاقل شود. مرد دانشمند مدتی برای تربیت پسر وقت گذاشت، اما موفق نشد. نامه‌ای به وزیر نوشت و گفت: «این پسر تو نه تنها عاقل نمی‌شود، بلکه مرا هم دیوانه کرده است.»

فعالیت

- از دانش آموزان بخواهید آثار سعدی را نام ببرند.
- با مطالعه آثار سعدی، سه لطیفه به زبان امروزی بازگو کنند.

پی‌نوشت‌ها

- عمل: کار
- به چه ماند: شبیه چه کسی یا چه چیزی است؟
- زنبور بی غسل: در اینجا یعنی سود و فایده‌ای ندارد.

در کتاب‌های درسی ابتدایی، مانند پایه‌های پنجم و ششم، نمونه‌هایی از شعر یا نثر سعدی شیرازی آمده‌اند. شاید بی‌مناسبت نباشد آموزگار محترم برای تنوع بخشی به جریان یاددهی - یادگیری، مثال‌هایی از زندگی و دیگر آثار سعدی علیه‌الرحمه را که به شکل ضرب‌المثل یا لطیفه‌اند، در کلاس به زبان روز و متناسب با موقعیت بازگو کند تا هم بر نشاط کلاس بیفزاید و هم به اطلاعات دانش آموزان.

سعدی

مصالح‌الدین ابومحمد، معروف به سعدی شیرازی، در سال ۶۰۶ هجری قمری متولد شد. خاندان او از عالمان دینی بودند. پس از تحصیل در نظامیه، به گشت و گذار در برخی کشورها همت گماشت. دو کتاب گلستان و بوستان حاصل این جهانگردی هستند. او در آثارش به معرفی خودش دست زده است:

در اقصای عالم بگشتم بسی
به سر بردم ایام با هر کسی

سعدی، شیرین سخن و حاضر جواب است. به او می‌گویند این همه تجربه را از کجا به دست آوردی، می‌گوید: «از سفرهای دور و دراز». می‌پرسند چگونه این همه خستگی سفر را تحمل کردی؟ جواب می‌دهد:

«تهی پای رفتن به از کفش تنگ
بلای سفر به که در خانه جنگ»

و حاضران از این بیت می‌گویند همسر سعدی چندان خوش اخلاق نبوده است.

رمزینه‌های قرآنی



رضا نباتی

رویکرد برنامه‌ی جدید آموزش قرآن، جامعیت این آموزش است؛ یعنی آموزش قرآن به نحوی باشد که از یک‌سو همه‌ی حیطه‌های یادگیری را شامل شود و به‌ویژه بر حیطه‌ی عاطفی که متکفل ایجاد و تقویت انس و علاقه‌ی دانش‌آموزان به قرآن و یادگیری آن است، تأکید ورزد، و از سوی دیگر تمامی موضوعات ضروری آموزش قرآن، مانند روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، توانایی درک معنای عبارات و آیات ساده‌ی قرآن کریم، آشنایی با معارف انسان‌ساز قرآن و تدبیر در آیات الهی را در حد امکان شامل شود. با توجه به این رویکرد، سه هدف اساسی آموزش قرآن عبارت است از توانایی خواندن صحیح قرآن کریم، درک معنای عبارات و آیات ساده، و تدبیر اولیه در برخی آیات منتخب قرآن کریم. شایان ذکر است، با توجه به جامعیت اهداف آموزش قرآن، در هر یک از دوره‌های تحصیلی، متناسب با شرایط ذهنی و روحی دانش‌آموزان، سایر اهداف نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

روش تدریس حرف دارایی تشدید
حرف مشدد (دارای تشدید) هنگام تلفظ دو بار خوانده می‌شود. کسب مهارت صحیح خواندن حروف مشدد برای دانش‌آموزان کمی مشکل است. از این رو نیازمند دقت در آموزش و تمرین بیشتر است. در آموزش حرف مشدد، تفهیم این مطلب ضروری است که هر حرف مشدد دو بار خوانده می‌شود؛ بار اول با حرف متحرک قبل از خود و بار دوم با حرکت خودش.

روش تدریس حروف ناخوانا
در بیشتر زبان‌ها حرف ناخوانا وجود دارد. در خط فارسی نیز برخی حروف ناخوانا هستند؛ مانند «واو» در کلمات خواهر و خویش. همچنین در زبان فارسی برخی از کلمات عربی که حروف ناخوانا دارند به کار می‌روند؛ مانند: مؤذّب، سؤال، مثلاً، مرتضی، نهج‌البلاغه، سیدالشهدا، علی‌بن موسی الرضا و صاحب‌الزمان. از آنجا که مهم‌ترین هدف آموزش روخوانی در دوره‌ی ابتدایی کسب مهارت است، باید در این آموزش تدابیری اتخاذ شود که دانش‌آموزان به‌طور کاربردی و عملی مهارت موردنظر را کسب کنند. بنابراین، حروف ناخوانا در دو مرحله تدریس می‌شوند.

مرحله‌ی اول؛ آموزش حروف ناخوانا به‌صورت حروف متمایز با متمایز کردن حروف ناخوانا دانش‌آموز متوجه می‌شود نباید حروف متمایز را بخواند. به کمک این تدبیر که نمونه‌ای از رعایت اصل ساده به مشکل است، دانش‌آموزان می‌توانند به‌راحتی و بدون نیاز به قواعد و اصطلاحات، از همان آغاز عبارات قرآنی را به‌طور صحیح بخوانند. حروف ناخوانا در پایه‌های اول تا سوم به‌صورت متمایز نوشته می‌شوند. در کتاب‌های آموزشی قرآن برای متمایز کردن حروف ناخوانا از شیوه‌های متعددی استفاده می‌شود. در گذشته، معمولاً این حروف رنگی چاپ می‌شدند، ولی اکنون بیشتر به‌صورت حروف توخالی چاپ

می‌شوند. به نظر می‌رسد روش توخالی کردن حروف مناسب‌تر باشد، زیرا با مفهوم ناخوانا بودن سازگاری دارد. مرحله‌ی دوم؛ آموزش قواعد حروف ناخوانا: پس از کسب مهارت نسبی در مرحله‌ی قبل، قواعد مربوط به حروف ناخوانا به‌صورت کاربردی و به زبان ساده تدریس و به‌تدریج حروف توخالی به‌صورت معمولی نوشته می‌شوند. پس از توپر کردن حروف ناخوانا، در مواردی که فلش اتصال دارد، این فلش‌ها به‌تدریج از ترکیبات ساده و سپس از ترکیبات مشکل حذف می‌شود. این مرحله در پایه چهارم و پنجم تدریس و تمرین می‌شود.



روش تدریس حروف ناخوانای والی

روش تدریس نهادهای خاص رسم الخط قرآن

از آنجا که آموزش روخوانی قرآن بر سوادآموزی فارسی مبتنی است، در پایه‌ی اول هیچ‌گونه نماد جدیدی تدریس نمی‌شود. آموزش نمادهای خاص رسم‌الخط قرآن از پایه‌ی دوم ابتدایی آغاز می‌شود.

■ ۱. الف کوچک (ا)
در رسم‌الخط قرآن گاهی مصوت «آ» به شکل (ا) نوشته می‌شود. این نماد به شیوه‌ی زیر تدریس می‌شود. آموزگار شکل «ا» را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن را بخوانند. دانش‌آموزان می‌گویند: آ.
آموزگار کمی از شکل «ا» را پاک می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد دوباره بخوانند. دانش‌آموزان می‌گویند: آ
آموزگار این کار را تکرار می‌کند تا «ا» به شکل «ا» در آید.

آموزگار می‌گوید: همان‌طور که می‌بینید، شکل آن کوچک‌شده است، ولی صدایش تغییر نمی‌کند.

آموزگار «ب» را نیز روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن را بخوانند. آنگاه چند مثال دیگر را به همین شیوه با دانش‌آموزان تمرین می‌کند.

۲. «واو» و «یا» کوچک (و) - (ی)

آموزگار مصوت «ا» را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن را بخوانند. سپس الف کوچک (ا) را مقابل آن می‌نویسد تا آن را نیز بخوانند. آنگاه از دانش‌آموزان سؤال می‌کند وقتی «ا» را کوچک می‌نویسیم، آیا صدایش تغییر می‌کند؟ دانش‌آموزان می‌گویند: نه! آموزگار «او» را روی تخته می‌نویسد تا دانش‌آموزان آن را بخوانند. سپس مقابل آن «او» دوم را می‌نویسد تا آن را نیز بخوانند: او ← و

سپس می‌گوید شکل «او» مانند «ا» کوچک می‌شود، ولی صدایش تغییر نمی‌کند. و ← و

آنگاه شکل‌های زیر را می‌نویسد تا دانش‌آموزان آن‌ها را بخوانند:

ه ← هو ← ه

آموزگار چند کلمه‌ی قرآنی با نماد فوق را روی تخته می‌نویسد تا دانش‌آموزان بخوانند؛ مانند: رَبِّهِ، عَبْدِهِ.

۳. کاف بی سرکج (ک)

آموزگار کاف آخر (ک) را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن را بخوانند. آنگاه کاف بی سرکج (ل) را جلوی آن می‌نویسد و می‌گوید در قرآن، کاف این‌گونه نوشته می‌شود. ک ← ل سپس کاف بی سرکج را با صداهای کوتاه می‌نویسد تا دانش‌آموزان، آن‌ها را چند بار بخوانند.

۴. تاء گرد (ة ة)

آموزگار دو شکل تاء گرد (ة ة) را روی تخته می‌نویسد و آنگاه می‌گوید: بچه‌ها! صدای این دو شکل «ت» است.

ت ← ت؛ ة ← ت

سپس هر دو شکل تاء‌گرد را صداهای کوتاه ترکیب کرده و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا آن‌ها را چند بار بخوانند.

ة ة؛ ة ة؛ ة ة



روش آموزش تاء گرد (تأنیث) تاء تنها

۵. تنوین (ة ً)

تنوین، ترکیب صداهای کوتاه با «نون ساکن» است. این «نون» به صورت تکرار حرکت نوشته می‌شود.

ة ً ← ة ً

برای تدریس تنوین، آموزگار صدای «ب» را همراه «نون» روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموز می‌خواهد تا آن را بخواند.

آنگاه شکل «ب ً» را جلوی آن می‌نویسد و می‌گوید این شکل نیز همان‌طور خوانده می‌شود.

ن ← ن

سپس ترکیب شکل «ب ً» را با چند حرف نوشته و تمرین می‌کند.

ب ً ت ة ت

پس از آموزش فوق، آموزگار لوحه‌ی مربوط به تنوین کسره (ً) را نصب می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد سطر به سطر آن را بخوانند.

تذکر: هنگام تدریس این تنوین، توجه دانش‌آموزان را به «الف» ناخوانا که بعد از این تنوین می‌آید جلب می‌کنیم.

از آموزش هر یک از انواع تنوین، لوحه‌ی مربوط به آن در نصب می‌شود و دانش‌آموزان خواندن آن‌ها را تمرین می‌کنند.

۶. همزه (ء)

همزه مانند صدای عین در فارسی تلفظ می‌شود. برای تدریس همزه، آموزگار ترکیب حرف «ع» را با حرکت‌های گوناگون می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد آن‌ها را بخوانند.

ع ع ع ع ع ع

آنگاه می‌گوید شکل دیگری از حروف الفبا نیز شکل و صدای آن شبیه «ع» است. نام این شکل همزه است و شما در کلماتی مانند «سؤال»، قائم، رأی» با آن آشنا هستید. سپس حرف همزه را با حرکت‌های گوناگون ترکیب می‌کند تا دانش‌آموزان آن‌ها را بخوانند.

ء ء ء ء ء ء ء ء ء ء ء ء ء ء
همزه گاهی روی پایه می‌آید. این پایه‌ها عبارتند از: «ث، ا، و، ی»





روش آموزش همزه و کرسی‌های آن

۷. علامت مَدّ (۲)

این علامت گاهی روی صداهای بلند قرار می‌گیرد؛ در این صورت صداهای بلند با کشش بیشتری خوانده می‌شوند، مانند: **وَلَا الضَّالِّينَ. جَاءَ الْحَقُّ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** آموزگار علامت مَدّ را روی تخته می‌نویسد و به دانش‌آموزان می‌گوید هر گاه این علامت روی صداهای «—» ای و «» قرار گیرد، این صداها را کمی بیشتر می‌کشیم. سپس چند نمونه را روی تخته می‌نویسد تا دانش‌آموزان با رعایت علامت مد، آن‌ها را بخوانند.

۸. تنوین قبل از ساکن یا تشدید (التقاء الساکنین)

هر گاه تنوین به حرف ساکن یا تشدید وصل شود، به‌صورت نون مکسور (ن) خوانده می‌شود؛ (همان‌طور که می‌دانید، تنوین به‌صورت حرکت کوتاه و نون ساکن خوانده می‌شود. از این رو، هر گاه تنوین به حرف ساکن یا تشدید وصل شود، دو حرف ساکن با هم برخورد می‌کنند که به آن التقاء الساکنین می‌گویند. در این صورت برای تسهیل در خواندن، تنوین به‌صورت نون مکسور (ن) خوانده می‌شود.) مانند:

لَهُوَ انْفَصُوا ← لَهُوَ انْفَصُوا

در کتاب‌های درسی، تنوین در این موارد، به‌صورت «نون مکسور کوچک» مانند مثال‌های ستون سمت چپ نوشته می‌شود. آموزگار لوحی مربوط را روی تخته نصب می‌کند و در صورت نداشتن لوحه، مثالی را روی تخته می‌نویسد و با اشاره، نحوه‌ی صحیح خواندن را نشان می‌دهد.

۹. حروف مقطعه

در ابتدای ۲۹ سوره‌ی قرآن، حروفی آمده است که با نامشان خوانده می‌شوند. این حروف از رموز قرآن هستند و حروف مقطعه نامیده می‌شوند؛ مانند:

ن ← نون / ق ← قاف / طس ← طاء، سین / حم ← حا، میم / الر ← الف، لام، را / کهیصص ← کاف، ها، یا، عین، صاد آموزگار برای تدریس حروف مقطعه، یکی از آن‌ها را روی تخته می‌نویسد و می‌گوید در آغاز برخی از سوره‌ها کلماتی به این صورت آمده است. آموزگار به هر یک از حروف اشاره می‌کند و از دانش‌آموزان می‌پرسد اسم این حرف چیست؟ پس از پاسخ دانش‌آموزان، آن اسم را روی آن می‌نویسد.

الم ← الف، لام، میم آنگاه آموزگار می‌گوید: نام این حروف، حروف مقطعه است که برای خواندن آن‌ها باید اسم الفبایی هر یک از حروف را خواند.

آموزگار برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد که نام مقطعه با نام فارسی آن‌ها تفاوت دارد. آموزگار این حروف را روی تخته می‌نویسد. اسم فارسی آن‌ها را از دانش‌آموزان می‌پرسد و رویه‌رویشان می‌نویسد. آنگاه اسم قرآنی آن‌ها را جلوی هر یک می‌نویسد تا دانش‌آموزان بخوانند.

روش تدریس وقف

در دوره‌ی ابتدایی، وقف در دو مرحله به شیوه‌ی زیر تدریس می‌شود. مرحله‌ی اول: در این مرحله، آنچه هنگام وقف خوانده نمی‌شود، به‌صورت توخالی است و به دانش‌آموزان گفته می‌شود حرکات توخالی را مانند حروف توخالی، نمی‌خوانیم؛ مانند:

يَعْلَمُونَ ← يَعْلَمُونَ بِالصَّبْرِ ← بِالصَّبْرِ نَسْتَعِينُ ← نَسْتَعِينُ بِسُرٍّ ← بِسُرٍّ خُسْرٌ ← خُسْرٌ فَتَحٌ قَرِيبٌ ← فَتَحٌ قَرِيبٌ حَسَنٌ ← حَسَنٌ وَحْدَهُ ← وَحْدَهُ رَبِّي ← رَبِّي

مرحله‌ی دوم: در این مرحله حرکات توخالی به تدریج پر و معمولی می‌شوند

و به دانش‌آموزان می‌گوییم حرکات آخر عبارات را در هنگام وقف نمی‌خوانیم. موارد مختلف وقف به شیوه‌ی زیر تدریس می‌شوند:

۱. وقف بر حرکات کوتاه، تنوین، «واو» و «یای» کوچک: آموزگار کلمه‌ای را که حرکت توخالی دارد روی تخته می‌نویسد تا دانش‌آموزان آن را بخوانند: **لَيْلَةُ الْقَدْرِ ← لَيْلَةُ الْقَدْرِ** آنگاه حرکت توخالی را پر می‌کند و می‌گوید، از این به بعد حرکات آخر عبارات را که به‌طور معمولی نوشته شده است، هنگام وقف نمی‌خوانیم: **لَيْلَةُ الْقَدْرِ ← لَيْلَةُ الْقَدْرِ** برای کسب مهارت کافی در اعمال قاعده‌ی وقف، در فاصله‌های گوناگون،



تذکر

۱. گاهی بعد از تنوین فتحه «ی» ناخوانا می‌آید، در این حالت نیز هنگام وقف تنوین فتحه به صدای «آ» تبدیل می‌شود؛ مانند: هُدَى ← هُدَى / طَوَى ← طَوَى / مُسَمَّى ← مُسَمَّى

۲. گاهی بعد از تنوین فتحه «الف» نوشته نمی‌شود، ولی در این موارد نیز هنگام وقف تنوین فتحه به صدا «آ» تبدیل می‌شود؛ مانند: ماء ← ماء جزاء ← جزاء فداء ← فداء

۳. وقف بر کلمات خاص: وقف برخی از کلمات به صورت خاصی است. این کلمات عبارت‌اند از:
هُوَ ← هُوَ / رَوَّاسِي ← رَوَّاسِي / اَنَا ← اَنَا

در ادامه با اسکن کدهای زیر برخی مراحل آموزش قرآن پایه سوم دبستان صحیح‌خوانی اذکار نماز، تدریس قرآن و روخوانی را ببینید.



آموزش قرآن پایه سوم دبستان صحیح‌خوانی عبارات و اذکار نماز



راهنمای تدریس قرآن پایه سوم ابتدایی



مراحل آموزش روخوانی قرآن

دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند: چون وقف می‌کنیم. آنگاه آموزگار «ة» را روی تخته می‌نویسد و می‌گوید: این حروف در حالت وقف «ه» خوانده می‌شوند.
ة ← ه ← ه

سپس آموزگار توضیح می‌دهد که از این به بعد نقطه‌های «ة ی» پر و معمولی نوشته می‌شوند، ولی هنگام وقف به صورت «ه»، «ه» خوانده می‌شوند.

۳. وقف بر تنوین فتحه: همان طور که می‌دانید، تنوین فتحه هنگام وقف به صدای «آ» تبدیل می‌شود، مانند:
رِزْقًا حَسَنًا ← رِزْقًا حَسَنًا

آموزگار پرسش‌های زیر را از دانش‌آموزان می‌پرسد.

- آیا حرکت آخر عبارت را بخوانیم؟ (در حالی که به آخرین حرکت اشاره می‌کند) - خیر!
- چرا حرکت آخر را نخواندیم؟ (در حالی که به آخرین حرکت اشاره می‌کند) - چون وقف کردیم.

۲. وقف بر تاءِ گرد (ة، ة): در حالت وقف «ه» به «ه» تبدیل می‌شود. آموزگار کلمه‌ای را که تاءِ گرد دارد، با نقطه و حرکت توخالی می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌پرسد: آیا می‌دانید چرا نقطه‌های «ة» توخالی هستند؟
القَارِعَة



بهر روز نظری

عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران

داشتن و نداشتن عزت نفس ریشه‌ی بسیاری از مشکلات رفتاری و ذهنی انسان‌هاست. اگر چه نمی‌توان به عزت نفس به‌عنوان داروی معجزه‌گون رفع مشکلات نگاه کرد، اما اگر کمی دقیق‌تر بررسی کنیم، در بسیاری از چالش‌های زندگی شخصی و شغلی می‌توانیم ردپای عزت نفس را به‌عنوان یکی از ریشه‌ها ببینیم. کمبود عزت نفس باعث می‌شود برای استعدادهای و توانمندی‌های خود ارزش کمتری قائل باشیم و بیشتر ببینیم جامعه به چه استعدادهای و توانمندی‌هایی تمایل دارد. در ادامه، تعریف و بحثی کوتاه از تبیین عزت نفس را می‌خوانیم.

کلیدواژه‌ها: عزت نفس، خودپنداره

داوری نفس

برای انسان، هیچ حکم ارزشی، مهم‌تر از داوری او در مورد نفس خویش نیست. ارزشیابی شخصی از خویش، قطعی‌ترین عامل در رشد روانی اوست. این ارزشیابی به‌صورت احساسی است که انتزاع و شناسایی آن دشوار است، زیرا پیوسته تجربه می‌شود و جزئی از هر احساس و دخیل در هر واکنش احساساتی انسان است. بنابراین، تصویری که فرد از خویش دارد، به‌طور ضمنی در همه‌ی واکنش‌های ارزشی او تجلی می‌کند (بیابان‌گرد، ۱۳۷۳). این تصویر فرد از خود، همان عزت نفس است. عزت نفس مقدار ارزشی است که ما به خود نسبت می‌دهیم؛ همانند دیگر جنبه‌های فردی. این جنبه در محاوره با دیگران کسب می‌شود و انعکاسی است از اینکه دیگران چه نظری نسبت به ما دارند، به‌عبارت دقیق‌تر، عزت نفس مقدار ارزشی است که فکر می‌کنیم دیگران برای ما به‌عنوان یک شخصیت قائل هستند (سابد فرد، فرانک، ۱۹۶۵).

به‌طور کلی می‌توان گفت، ارزیابی فرد از خودپنداره‌ی خود بر حسب ارزش کلی آن، «عزت نفس» نامیده می‌شود که به فرد امکان می‌دهد در رفتارهایش، از یک روش بیشتر از روش‌های دیگر پیروی کند که بنابراین، تلویحات

عزت زیاده!

فضای مدرسه بهترین جا

برای تقویت خودپنداره



تلاش می‌کنند. همین عامل از احتمال موفقیت فردی آن‌ها می‌کاهد. در نتیجه فرد شکست می‌خورد و بر این اساس فرد موفق نشدن خود را حاصل ناتوانایی و بی‌کفایتی قلمداد می‌کند. به این ترتیب، سطوح عزت‌نفس وی کاهش می‌یابد (گرنی، به نقل از وجدان‌پرست، ۱۳۷۸). یکی از ابعاد عزت‌نفس، عزت‌نفس آموزشی است. این بعد انعکاسی است از نحوه ارزشیابی کودک از خود به‌عنوان دانش‌آموز. در این رابطه، چنانچه او به خواسته‌ها و ملاک‌های پیشرفت تحصیلی پاسخ مثبت دهد، عزت‌نفس آموزشی دارد (بیابان‌گرد، ۱۳۷۳).

برای تقویت عزت‌نفس نکات زیر پیشنهاد می‌شود:

آموزگاری که عزت‌نفس پایینی دارد، باضعف‌های خود الگوی نامطلوبی برای دانش‌آموزان است. مثلاً ممکن است روی نقاط ضعف کودک تأکید آسیب‌زا داشته باشد، یا کودک را تحقیر کند یا از او انتظارات خارج از توانش داشته باشد. لذا قدم اول تقویت عزت‌نفس و جایگاه و منزلت معلم است تا حمایت‌کننده‌ی خوبی برای تقویت نقاط مثبت شاگردانش باشد. حصول به موفقیت و کمک به دانش‌آموزان برای کسب توفیق، مهم‌ترین پایه‌ی شکل‌گیری عزت‌نفس است. اجتناب از مقایسه کردن (تا کودک دچار رقابت منفی نشود) و کینه‌ی دوستانش را به دل نگیرد، خودداری از تنبیه، تهدید و نصیحت بیش از حد، و توجه به نیازهایی از جنس سرگرمی نیز اهمیت شایانی دارد. در عین حال، دادن مسئولیت به کودک و ایجاد الگوی نظم‌پذیر در کارهای او می‌تواند در ایجاد موفقیت (که پیش‌درآمد عزت‌نفس در محیط مدرسه است) مؤثر باشد.

منابع

۱. اسماعیل بیابان‌گرد (۱۳۷۳) و (۱۳۸۰). روش‌های افزایش عزت‌نفس کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران.
۲. ریتو مای لی، پ. (۱۳۸۰). ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه‌ی محمود منصور، سمت، تهران.
۳. حسین وجدان‌پرست (۱۳۷۸). بررسی رابطه‌ی عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی مراکز تربیت معلم. پایان‌نامه‌ی ارشد دانشگاه تبریز.
۴. علی‌اکبر سیف (۱۳۶۸). روان‌شناسی پرورشی. امیرکبیر، تهران.
5. Sabderd, B.W., & Frank, B. (1965). Self esteem and life. New York
6. Cooper smith, s. (1967). The antecedent of self esteem W.H.freedem and company, san Francisco.



رفتاری مهمی برای فرد در بردارد. این دلیل مهمی است برای این سوال که چرا باید ارزیابی مثبت کودک از خود را تقویت کرد و رفتار نامناسب وی را تغییر داد. میزان رضایت از خود یا ارزشی که انسان برای خود قائل است، در رفتار و پویایی درونی فرد اهمیت بسیار زیادی دارد و بیشتر صاحب‌نظران برخورداری از عزت‌نفس (ارزیابی مثبت از خود) را عامل مرکزی و اساسی سازگاری عاطفی - اجتماعی افراد می‌دانند (مای لی، ۱۳۸۰). کوپر اسمیت (۱۹۶۷) با مطالعات وسیع خود در مورد عزت‌نفس به این نتیجه رسیده است که افرادی که از عزت‌نفس بالا برخوردارند، در بسیاری از روش‌ها با افراد دارای عزت‌نفس پایین متفاوت هستند. آن‌ها مجموعه هدف‌های بالاتری دارند، کمتر از اضطراب رنج می‌برند، استرس کمتری را همراه با نشانه‌های روان‌تنی کمتر تجربه می‌کنند، نسبت به شکست و انتقاد کمتر حساس هستند، احساس کنترل بیشتری دارند، کنجکاو‌ی بیشتری نسبت به خود و محیطشان نشان می‌دهند، و به‌طور کلی می‌توان گفت واقعا افرادی برانگیخته‌اند که نه تنها شایستگی دارند، بلکه نگرش مثبتی به خود دارند.

فضای مدرسه بهترین موقعیت برای تقویت عزت‌نفس در کودکان است. بیابان‌گرد (۱۳۸۰) معتقد است، هر فرد فعالیت‌هایی را که با موفقیت انجام داده است دوست دارد و تصور دانش‌آموز درباره‌ی موفقیت یا شکست در یک تکلیف، بر تجربه‌هایی مبتنی است که در ارتباط با آن تکلیف یا تکالیف مشابه، از آموزگاران، والدین، هم‌سالان و سایر افراد مرتبط با آن تکلیف کسب کرده است.

عزت‌نفس در مدرسه

عزت‌نفس بیشتر معلول پیشرفت در مدرسه است نه علت آن و کودکان در مورد توانایی‌های خود، با توجه به عملکرد گذشته قضاوت می‌کنند (سیف، ۱۳۶۸). دانش‌آموزانی که از عزت‌نفس بالایی برخوردارند، به توانایی‌های خود اطمینان دارند و حداکثر تلاش را برای رسیدن به موفقیت می‌کنند و سپس با استناد به این موفقیت، به قابلیت‌های خود بر عزت‌نفس خود می‌افزایند. اما دانش‌آموزانی که عزت‌نفس پایینی دارند، انتظار بسیار کمی برای موفقیت دارند و به همین خاطر کمتر از توانایی‌های خود

مطالبه‌ی عامردانه

دانش آموز، همچون شهروند کنشگر



دکتر معصومه رضانی
دکترای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت

می‌توان گفت تربیت شهروندان کنشگر و آگاه همواره بخشی از اهداف تعلیم و تربیت نظام‌های تعلیم و تربیت بوده است. در نظام تربیتی ایران نیز در همه‌ی دوره‌ها به این هدف توجه شده است. پرداختن به این موضوع در نظام تربیتی بیانگر این است که برنامه‌های درسی باید برای رسیدن به این هدف طرح و نقشه‌ای داشته باشند. اما وجود طرح و برنامه برای تربیت شهروندان کنشگر در برنامه‌های درسی مکتوب، بدین معنا نیست که مسئولیت آن از عهده‌ی آموزگار سلب شده است. بلکه آموزگار و مربی نیز می‌توانند از همان سال‌های آغازین کودکی روحیه‌ی فعالیت و کنشگری را در دانش‌آموزان تقویت کنند. به‌منظور تحقق این هدف ابتدا باید دانست کنشگری به چه معناست و شهروند کنشگر چه کسی است. در ضمن دانستن مفهوم شهروند کنشگر، جست‌وجوی معنا و مفهوم کودک کنشگر هم لازم است. گام بعدی پاسخ به این پرسش است که چرا نظام‌های اجتماعی به شهروندان کنشگر و به تناسب آن به کودکان کنشگر نیازمندند؟ پس از درک این چرایی، نوبت به پاسخ به چگونگی تربیت شهروندانی کنشگر در دوره‌ی دبستان یا به عبارتی کودکان کنشگر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: شهروندی، کودک کنشگر، مطالبات اجتماعی

کنشگری به چه معناست و شهروند کنشگر کیست؟

کنشگری یکی از مفاهیمی است که بر مسند مفهوم حقوق می‌نشیند و به‌ویژه در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی کاربرد فراوانی دارد. کنشگری را می‌توان شامل تمام فعالیت‌هایی

دانست که با هدف تغییر و بهبود شرایط جامعه ایجاد می‌شوند. گاه تغییراتی در قوانین و مناسبات جامعه اعمال می‌شود که افراد جامعه به دلایل گوناگونی پذیرای آن نیستند؛ مثلاً دشواری همراهی با شرایط جدید، فقدان منفعت کافی برای افراد جامعه یا حتی متضرر شدن افراد جامعه. اما نپذیرفتن شرایط جدید همواره برای همه‌ی افراد منجر به مواجهه و مطالبه نمی‌شود. در این میان تنها معدودی هستند که برای خواسته‌هایشان اقدام می‌کنند. این دسته از افراد را می‌توان کنشگر نامید. کنشگران در چنین شرایطی تلاش می‌کنند از طریق اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی، افراد جامعه را با خود همراه کنند، مخالفتشان را با تغییر مورد نظر، به سبک‌های گوناگون، ابراز و مطالبه‌ی خود را پیگیری کنند. آنان با طرح موضوع، شفاف‌سازی آن و تبیین جوانب، به سبک‌های مختلف برای همراه کردن جامعه با خود اقدام می‌کنند. بر این اساس مطالبات کنشگران عموماً مطالباتی اجتماعی است نه شخصی. کنشگری می‌تواند صورت عکس آنچه را توصیف شد نیز داشته باشد.

چند ویژگی اصلی کنشگری را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

- فعالیتی انسانی است، زیرا آگاهانه و عمدانه صورت می‌گیرد و این‌ها نشان از اندیشه‌ورزی دارند که منحصر به انسان است؛
- جهت حرکت افراد را تعیین می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های کنشگرانه ساختار دارند و هدفمندند؛
- با نهاد قدرت ارتباط دارد (نهاد قدرت می‌تواند خرد یا کلان باشد. یعنی حاکمان جامعه یا مدیر مدرسه، هر دو نهاد قدرت محسوب می‌شوند و کنشگر در هر طیفی که فعالیت داشته باشد، از خرد تا کلان، به‌نوعی با نهاد قدرت در ارتباط است)؛
- ذاتاً با نوعی فاق یا همبستگی اجتماعی در زمینه‌ی موضوع همراه است (اگرچه در موارد بسیاری لازم است کنشگر در گام اول جامعه را از طریق شناخت و آشکارسازی و آگاهی‌بخشی در ارتباط با موضوع، با خود همراه و همدل سازد، اما فرد کنشگری که نتواند همبستگی اجتماعی ایجاد کند، تنها می‌ماند)؛



ندارد دانش آموزان را به سخره بگیرد یا به آن‌ها توهین یا آن‌ها را تهدید کند. موارد مذکور حقوق اولیه انسانی کودکان در محیط آموزشی است و در صورتی که کودک نسبت به این حقوق آگاه باشد و توانایی مطالبه‌ی صحیح و محترمانه‌ی آن‌ها را داشته باشد، می‌تواند در بزرگسالی به فردی تبدیل شود که حقوق شهروندی خود را مطالبه کند و برای تحقق آن مسئولیت لازم را بپذیرد. بحث مسئولیت بحثی است مرتبط با وظایف که خارج از موضوع این نوشته است و در آینده به آن پرداخته می‌شود. در اینجا تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که حق و وظیفه مفاهیمی متقابل و متعامل هستند و هر کس در قبال حقوقی که دارد، مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارد. در نمونه‌های فوق، برای مثال دانش آموز موظف است با معلم و سایر اعضای مدرسه و بالطبع افراد جامعه با احترام برخورد کند و حق تمسخر یا توهین به هیچ‌کس با هیچ شرایطی را ندارد.

برخوردارند. برای تربیت کودک کنشگر لازم است او حقوق و وظایف خود را بشناسد. کودک کنشگر کسی که از حقوق و وظایف خود آگاه است و برای رسیدن به حقوق و در راستای انجام وظایف تلاش می‌کند. وظیفه‌ی آموزگار که کودکان عموماً با یک آموزگار سر و کار دارند، تنها آموزش درس‌های مدرسه‌ای نیست، بلکه لازم است او حقوق و وظایف دانش‌آموزان را به آن‌ها گوشزد کند. برای مثال یکی از حقوق دانش‌آموزان این است که فرصت داشته باشند موقعی که مطلب درسی را به‌طور کامل نفهمیده‌اند، از آموزگار خود درباره‌ی آن مطلب پرسش کنند. این حق را به دو صورت می‌توان به کودک آموزش داد: طرح این موضوع به‌طور مستقیم، و رفتار بر اساس این حق با کودکان. هر دو گونه‌ی مواجهه می‌تواند به نتیجه‌ی مطالبه‌گری برای حقوق بینجامد. همچنین، می‌توان از حق ایشان در بهره‌مندی از امنیت روانی گفت‌وگو کرد. هیچ فردی تحت هیچ شرایطی اجازه

شامل حساسیت به وضع موجود و تمایل به اصلاح آن برای رسیدن به وضع مطلوب است که می‌تواند در هر سطحی از ساختارهای اجتماعی، از خانواده تا هم‌سالان، و جامعه، اجتماعات محلی و گروه‌های دوستی جریان داشته باشد؛
 ● فعالیت‌ی است که با نقادی و مسئولیت‌پذیری ارتباط محکم دارد. یعنی فرد برای کنشگر بودن ابتدا باید درباره‌ی جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و اهل پذیرش بی‌چون و چرای تغییرات و شرایط نباشد. در واقع، کنشگری برآیند مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌مندی و نقاد بودن است.

کودک کنشگر چه کسی است؟

همچون همه‌ی نهادهای اجتماعی، در مدرسه هم افراد مرتبط از جمله دانش‌آموزان، آموزگاران، مدیران و سایر افرادی که با مدرسه همکاری می‌کنند، از حقوق و وظایفی





لیلا سلیقه‌دار
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

در علم روان‌شناسی شاخه‌ای با عنوان روان‌شناسی تفاوت‌های فردی تعریف شده است که به شناسایی و مطالعه‌ی تفاوت‌های افراد اختصاص دارد. آگاهی از تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها به اندازه‌ی خلقت آن‌ها قدمت دارد و روان‌شناسی تفاوت‌های فردی سعی می‌کند استعدادها را بشناسد و شخصیت او را براساس توانایی‌های ارثی و آثار محیط درک کند. از جمله مطالعات صورت گرفته در این زمینه، سبک‌های شناختی و یادگیری است. افراد در یادگیری، متناسب با تفاوت‌های فردی خود، از سبک‌های متفاوت استفاده می‌کنند. سبک یادگیری روشی است که یادگیرنده در یادگیری خود، آن را به روش‌های دیگر ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر «راه‌های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری، مانند استفاده از تصویر به‌جای کتاب، کارکردن با دیگران در عوض تنها کارکردن، یادگیری موقعیت‌های ساختمند در مقابل موقعیت‌های غیر ساختمند و غیره» (وولفلک، ۲۰۰۴). این نوشته تعدادی از سبک‌های یادگیری را معرفی می‌کند که می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری‌های آموزگار در طراحی آموزشی باشند.

پاسخ آموزگاران

یکی از ضرورت‌های جلب توجه آموزگاران به موضوع سبک‌های شناختی و یادگیری دانش‌آموزان این است که واکنش آنان به هر یک از زمینه‌های یادگیری و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود یادگیری و بهره‌مندی از گستره‌ی توانایی‌های یادگیرندگان منجر شود. بر این اساس، آموزش یکسان،

اندرکی تأمل!

سبک یادگیری و تصمیم‌گیری‌های آموزشی





کار آموزشی نیست، بلکه ایجاد انتظارات متناسب با هر دانش‌آموز و فراهم‌آوری زمینه‌ی درگیرشدن ذهن با یادگیری به روش‌های گوناگون، از جمله موارد مهم در فرایند یاددهی-یادگیری به حساب می‌آید.

تو مومی بینی و ... سبک پیچیدگی شناختی در برابر سادگی شناختی ۲

این سبک‌ها به تفاوت‌های فردی در تمایل به تفسیر یا تغییر جهان و دنیای رفتار اجتماعی در ابعاد متعدد و به طرق گوناگون اشاره دارند. افرادی که پیچیدگی شناختی دارند، به گونه‌ای چندبعدی به مسائل می‌نگرند. این افراد ترجیح می‌دهند با مسائل و تکالیف پیچیده‌ی فنی سر و کار داشته باشند؛ در حالی که افرادی که سادگی شناختی دارند، از یک بعد به مسائل نگاه می‌کنند (سریوستاوا، ۱۹۹۷).

دورقیب جدایی ناپذیر سبک واگرادر مقابل همگرا ۳

این دو قطب سبک‌شناختی مثل رقیب به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند. افرادی که به علوم گوناگون گرایش دارند، تفکر همگرا و افرادی که گرایش‌های هنری دارند، تفکر واگرا

دارند (سیف، ۱۳۹۸).

افراد دارای سبک همگرا در یافتن موارد استفاده‌ی عملی برای اندیشه‌ها و نظریه‌ها کارآمدند. به عبارت دیگر، این افراد در حل مسائل و تصمیم‌گیری براساس راه‌حل‌هایی که پیدا می‌کنند، توانا هستند. به‌طور کلی، افراد دارای این سبک، کوشش خود را بر یک راه‌حل واحد متمرکز می‌کنند و در کارهای تخصصی و فناوری موفق‌ترند. افراد با سبک یادگیری واگرا، هنگام قرارگیری در هر موقعیت، آن را با دقت مشاهده می‌کنند. این افراد اندیشه‌های متنوع دارند و به جاذبه‌های متنوع فرهنگی و جمع‌آوری اطلاعات علاقه‌مندند. همچنین، از قدرت تخیل و احساس بالایی برخوردارند و در فعالیت‌های هنری مفیدترند.

سرعت؛ گاهی خوب و گاهی بد سبک‌های یادگیری تکانشی و تأملی ۴

این سبک‌ها با عنوان سرعت‌شناختی هم مطرح می‌شوند و نشانگر آن هستند که دانش‌آموزان با چه فوریت و سرعتی به تکالیف شناختی پاسخ می‌دهند. فراگیرندگان تکانشی، با وجود داشتن اشتباهات قابل ملاحظه، به‌سرعت کار

سبک شناختی به

شیوه‌های غالب طرز استفاده از توانایی‌ها در موقعیت‌های گوناگون اطلاق می‌شود؛ با توجه به این موضوع که پیچیدگی این موقعیت‌ها امکان ارائه‌ی دامنه‌ی وسیعی از پاسخ‌ها را ایجاد می‌کند (غیاثی، ۱۳۹۳).

می‌کنند، در حالی که فراگیرندگان تأملی به‌کندی دست به فعالیت می‌زنند و مرتکب اشتباهات کمتری می‌شوند (سیف، ۱۳۹۸).

افراد با سبک تکانشی، با اولین پاسخ‌هایی که به ذهنشان می‌رسد، به سؤالات جواب می‌دهند و زمان پاسخ‌گویی بیشتر از هر چیزی برایشان مهم است.

این در حالی است که تأملی‌ها پیش از حرف‌زدن فکر می‌کنند و به‌جای سریع جواب‌دادن، ترجیح می‌دهند وقت صرف کنند و تا آنجا که ممکن است جواب درست بدهند.



افراد دارای سبک تأملی موفق‌تر عمل می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل، برای حل مسائل پیچیده که چند راه‌حل احتمالی دارند، سبک تکانشی تأثیرگذاری بیشتری دارد، زیرا افراد دارای این سبک می‌توانند به‌سرعت راه‌حل‌های درست را بررسی کنند. به این سبب، در کنار تأملی‌هایی که قصد دارند به‌طور منظم همه‌ی راه‌ها را یکی‌یکی بررسی کنند و برای این منظور زمان زیادی را صرف می‌کنند، موفق‌ترند (هوهن، ۱۹۹۵).

درست مانند زمانی که اتفاقی در کلاس رخ می‌دهد، این قبیل دانش‌آموزان به جنبه‌هایی از اتفاق اشاره می‌کنند که گاهی حتی به ذهن آموزگار هم نرسیده است. برای مثال، گاهی تذکری به هم‌کلاسی‌هایشان می‌دهند که آن جنبه از رفتار به چشم همه نمی‌آمده است.

نشان می‌دهند پسران تکانشی که یک سال را در کلاس یک آموزگار تأملی می‌گذرانند، خودشان نیز به‌صورت تأملی تغییر می‌کنند. (کاراگانی‌دیز و سمپسون، ۲۰۰۴)

تکلیف چیست؟

نکته‌ی قابل تأمل درباره‌ی دو سبک تکانشی و تأملی این است که هیچ‌یک از آن‌ها به خودی خود بر دیگری برتری ندارد. زیرا موفقیت در هر موقعیت یادگیری به تعامل و انطباق بین سبک یادگیری مورد استفاده‌ی فراگیرندگان و ویژگی‌های تکلیف یادگیری بستگی دارد. به عبارت دیگر، ساختار تکالیف یادگیری به‌گونه‌ای است که برخی سبک تکانشی و برخی دیگر تأملی را می‌طلبند. برای مثال، در مواجهه با مسئله‌هایی که تنها یک پاسخ دارند و به‌ظاهر ساده‌اند،

با این همه، گاهی صحت پاسخ‌های افراد تکانشی هم بالاست. همان‌طور که برخی اوقات فراگیرندگان وجود دارند که پاسخ‌های کند و نادرست می‌دهند.

هیچ‌چیز سبک نیست!

نکته‌ی مهم این است که سریع پاسخ‌دادن افراد، لزوماً به خاطر سبک تکانشی آن‌ها نیست، بلکه ممکن است به دلیل تسلط بیشتر بر موضوع باشد. همچنان‌که افرادی که کند جواب می‌دهند، ممکن است به موضوع یادگیری تسلط نداشته‌باشند، تا اینکه سبک آن‌ها تأملی باشد. در خصوص اینکه چگونه این سبک‌ها در افراد پرورش پیدا می‌کنند، مطالعات بسیاری انجام شده و نتیجه نشان داده است خانواده و مدرسه در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارد. برای مثال، برخی از یافته‌ها



کوتاه سخن

شناخت آموزگار از سبک‌های گوناگون یادگیری، این اثر ارزشمند را به همراه دارد که در برابر واکنش‌های گوناگون دانش‌آموزان، به تصورات از پیش تعیین شده و تجربه‌های عام اکتفا نکند و تفاوت بین افراد و ریشه‌های وابسته به سبک‌های یادگیری را در نظر بگیرد. رفتارهای ناشی از سبک‌های یادگیری خوب یا بد نیستند، ویژگی‌هایی هستند که ملاحظه‌ی آن‌ها به توسعه و تقویت یادگیری می‌انجامد و به آموزگار کمک می‌کند به صورت حرفه‌ای تری نسبت به طراحی آموزشی و تدوین فعالیت‌های یادگیری متناسب با سبک‌های گوناگون تصمیم‌گیری کند. با این نگاه، نیازی نیست آموزگار سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان خود را به تفکیک بشناسد. هرچند این کار ایده‌آل است، اما شناسایی کلی سبک‌ها و تلاش برای ایجاد تنوع فعالیت‌های یادگیری و نیز کشف ریشه‌های رفتاری دانش‌آموزان به تناسب سبک یادگیری، از جمله ضرورت‌های حرفه‌ای آموزگاران محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Woolfolk, A.E
2. Cognitive complex Vs simplicity
3. Divergent Vs convergent
4. Impulsive & reflective
5. Karagiannidis, C & Sampson, D.
6. Hohn, R.L.

بیشتر بدانیم، بیشتر بخوانیم

۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. ویرایش هفتم. دوران. تهران.
۲. غیائی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). سبک‌های یادگیری پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. فصل‌نامه‌ی پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۳۱. زمستان ۱۳۹۳.
3. Hohn, R.L. (1995). Classroom Learning and teaching. Boston: Longman.
4. Karagiannidis, C & Sampson, D. (2004). Adaptation Rules relating learning styles Research and learning Objects Meta. Workshop on individual Differences in Adaptive Hypermedia, 3th international conference on Adaptive Hypermedia and Adaptive web based systems (Ah 2004), Eindhoven, Netherlands Available: www. iti.gr.
5. Srivastava, P. (1997). Cognitive style in educational perspectives. New Dehli (INDIA): Anuol.
6. Woolfolk, A.E. (2004). Educational psychology (3rd ed.). EnglewoodCliffs, N.J.: prentice-Hall

تفاوت فردی

همه‌ساله دانش‌آموزانی داریم که در انجام تکلیف بسیار سخت‌گیر هستند. اگر از آن‌ها بخواهم مفهوم درس را در یک شکل نشان دهند جوانب دیگر هم در کار آن‌ها می‌آید. برای مثال کتابی را برای مطالعه بیشتر معرفی کردم و از دانش‌آموزان خواستم برداشت خود را در یک بند شرح دهند. برخی از دانش‌آموزان که البته تعدادشان زیاد هم نیست، علاوه‌بر برداشت خود به خلاصه‌ای از کتاب اشاره کردند، ارتباط آن را با کتاب درسی نشان دادند، فیلمی را که جست‌وجو کرده بودند هم معرفی کردند. این در حالی است که دیگر دانش‌آموزان به معرفی یک بند از کتاب بسنده کردند. این گروه موجب شده که همیشه گزینه‌ی دومی برای انتخاب در اختیار دانش‌آموزان قرار دهم تا اگر به شیوه دیگری هم می‌خواهند کار خود را ارائه دهند.

رقیب سبک و اگر او همگرا

یکی از ویژگی‌های مهم در گروه‌بندی توجه به قرارگیری دانش‌آموزان با علاقمندی‌های گوناگون در کنار یکدیگر است. هنگام انجام فعالیت‌های تحصیلی وقتی دانش‌آموزی با سبک و اگر ادر کنار سبک همگرا قرار می‌گیرد می‌تواند مسیر یادگیری یکدیگر را تجربه کنند بدون اینکه وارد آن شده باشند. برای مثال در حل مسئله‌ی ریاضی معمولاً دانش‌آموزان را در گروه‌های سه‌نفره قرار می‌دهم. از آن‌ها می‌خواهم با کمک هم مسئله را حل کنند و شرح دهند، برای صورت مسئله تصویر بکشند، مسئله دیگری برای همان راه‌حل و پاسخ طراحی کنند. تفاوت دانش‌آموزان در زمینه‌های هنری و عملی موجب می‌شود نتایج مؤثری در انجام این قبیل فعالیت‌ها به دست آورند.

یادگیری تکانشی و تأملی

بعضی از دانش‌آموزان با دست بلند کردن دیگران و اصرار آن‌ها برای پاسخ‌گویی دچار نگرانی شده و اصلاً نمی‌توانند به درستی فکر کنند و به سؤالات پاسخ دهند. برخی مواقع یقین دارم که آن‌ها پاسخ سؤال را می‌دانند یا ایده قابل توجهی برای ارائه دارند اما به زمان و آرامش بیشتری نیاز دارند. برای اینکه بتوانم به آن‌ها کمک کنم از «گلوله اجازه» استفاده کردم. یک گلوله کاغذی را با کمک دانش‌آموزان تهیه کردیم. قرار گذاشتیم برای زمان‌هایی که نیاز است پاسخ افراد مختلف را بشنوم هر زمان گلوله در اختیار هر فرد بود او اجازه صحبت کردن داشته باشد. به این ترتیب مدیریت گفت‌وگو را با دانش‌آموزان تمرین کردیم.

همه چیز سبک نیست!

روش تدریس تأملی از جمله روش‌هایی است که به آموزگار کمک می‌کند بتواند با تأمل و تأنی بیشتری فرایند یاددهی-یادگیری را طراحی، اجرا و پیگیری کند. در این روش، ابزارها و شیوه‌هایی وجود دارد که زمینه مکث و تفکر معنا دار و هدفمند آموزگار در هر مرحله از فرایند را فراهم می‌کند. این کار علاوه‌بر اینکه موجب تصحیح طراحی یادگیری مورد نظر آموزگار می‌شود در عین حال موجب تسری سبک تأمل در یادگیری دانش‌آموزان شده و به تقویت تأمل آن‌ها در مسیر یادگیری کمک می‌کند.

تکلیف چیست؟

یکی از درخواست‌های مکرر برخی دانش‌آموزان این است که تعداد مشخصی سؤالات را در اختیارشان قرار دهم. به جز آن دسته از دانش‌آموزان که درخواست والدین خود را تکرار می‌کنند اما عده‌ای هستند که واقعاً داشتن مسیر روشن، تعداد مشخص سؤالات، نکته‌های خلاصه‌شده، مفاهیم خط‌کشی شده و مواردی از این دست موجب تقویت یادگیری‌شان می‌شود. برای مثال هنگامی که آزمایشی را با هم در کلاس انجام می‌دهیم و به نتیجه مشخصی می‌رسیم، همه نتیجه را بیان می‌کنند اما عده‌ای هستند که علاوه‌بر این کار تمایل دارند جملاتی در دفترشان بنویسند و این گونه آزمایش و نتیجه آن را در ذهن خود نگه می‌دارند.

چالش اولی‌ها

فرزانه نوراللهی

کارشناس آموزش علوم



مراحل اجرای این جلسه

۱. چیدن میوه و سبزی در یک ظرف بزرگ، به شکلی خاص، برای یک شروع خوب؛
۲. دعوت از دانش‌آموزان برای حدس زدن نام شکل‌ها؛
۳. ارائه‌ی یک بازی در صورتی که نتوانند نام شکلی را بگویند.
۴. دعوت از آن‌ها برای برداشتن حداقل سه قطعه‌ی متفاوت از سبزی‌ها
۵. مشاهده و خوردن آن‌ها و بیان نام آن‌ها
۶. رسم شکل هر کدام از آن‌ها در برگه‌ی فعالیت
۷. پرسش از همه‌ی دانش‌آموزان برای آشنایی آن‌ها با تمام سبزی‌ها
۸. نشان‌دادن میوه‌ی کامل و مقایسه‌ی آنچه دانش‌آموزان کشیده‌اند با اصل میوه

در گفت‌وگویی قبل از اجرا، پیش‌بینی شد که دانش‌آموزان پسر به‌طور عمدۀ با این نوع سبزی‌ها آشنا نیستند و حتی تمایل ندارند آن‌ها را بیازمایند و بخورند. میوه و سبزی‌ها تهیه و خوب شسته شدند و از هر کدام برش‌هایی به تعداد حداقل سه برابر تعداد دانش‌آموزان در یک ظرف بزرگ چیده شد و قبل از ورود دانش‌آموزان به کلاس، روی میزی کنار میز معلم قرار گرفت. دانش‌آموزان وارد کلاس شدند و شگفت‌زده دور میز جمع شدند. هر کدام شگفتی خود را از دیدن سینی رنگارنگ با جمله‌ای بیان می‌کردند. آموزگار از ایشان خواست نام شکل داخل سینی را حدس بزنند. هر کدام چیزی گفتند، ولی به ماهی اشاره نشد. آموزگار از یک دانش‌آموز خواست با انجام پانتومیم، نام این شکل را بگوید. انجام پانتومیم، شکل چیده شده در سینی را فاش کرد. در این مرحله، برای ارتباط و درگیر شدن بیشتر دانش‌آموزان با موضوع، از پنج دانش‌آموز خواسته شد آنچه را درباره‌ی ماهی در ذهن دارند، روی تخته بکشند. این بخش دانش‌آموزان را به ادامه‌ی فعالیت مشتاق‌تر کرد.

از بچه‌ها دعوت شد کنار میز ماهی بیایند و به‌دلخواه خود، حداقل سه نوع خوراکی

یکی از بهترین فرصت‌های یادگیری در کلاس درس، به چالش کشیدن دانش‌آموزان با توجه به سطح دانایی و توانایی آن‌هاست. این کار در پایه‌ی اول ظرافت خاصی را می‌طلبد. دانش‌آموز پایه‌ی اول، برحسب شرایط و موقعیت زندگی، ممکن است قبل از ورود به دبستان آموزش‌های مختلفی دیده باشد. معمولاً دانش‌آموزان پایه‌ی اول در مهارت‌های ارتباطی و گفت‌وگو، به میزان دیگر پایه‌ها توانایی دادن شناخت به آموزگار را ندارند. لذا فرایند ارزشیابی توصیفی و عملکردی در پایه‌ی اول جایگاه خاصی دارد که خلاقیت آموزگار در طراحی فعالیت‌های ساده و متنوع می‌تواند شرایط این شناخت را هموارتر کند. مطلب زیر به تجربه‌ای در این باره می‌پردازد. کل این بخش در طول سه جلسه انجام شده است.

مهارت مشاهده از پایه‌ی‌ترین مهارت‌ها در درس علوم است.

سطح ۱: در بخش اول این فعالیت، از خوراکی‌هایی که با ذائقه‌ی بچه‌ها آشنا ترند، مانند موز، خیار و سیب استفاده می‌کنیم. پیش‌بینی ما این است که بچه‌ها طعم، مزه و بوی این میوه‌ها را می‌شناسند. در اینجا یادگیری مهارت مشاهده و زمان استفاده از آن هدف است.

ارزشیابی ۱: دانش‌آموزان توانستند به اهداف این فعالیت دست یابند.

سطح ۲: دانش‌آموزان را با طعم و مزه‌های کم آشنا تر مواجه می‌کنیم تا توصیفات ایشان را در به‌کارگیری مهارت مشاهده (بویایی، چشایی و بینایی) دقیق‌تر ارزیابی کنیم. به همین خاطر میوه و سبزی‌هایی مثل به، هویج، لیموترش و کدو انتخاب می‌شوند. پیش‌بینی ما این است که وقتی بچه‌ها با برش‌هایی از این میوه‌ها و سبزی‌ها روبه‌رو شوند، به‌راحتی و صرفاً با بهره‌گیری از یک حس نمی‌توانند نام آن را بگویند.



را انتخاب کنند. تقریباً اکثر بچه‌ها هویج را می‌شناختند، لیکن در مورد بقیه ابهام داشتند. این موضوع نشان می‌داد طراحان این سناریو موفق شده‌اند که دانش‌آموزان را به چالش بکشند.

تک تک دانش‌آموزان مشغول بویدن و چشیدن شدند. شروع خوب سناریو، انگیزه‌ی لازم را برای کشف و شناخت ماهیت خوراکی‌ها ایجاد کرده بود. بعد از اینکه به صورت فردی به نتیجه نرسیدند، تبادل گروهی و کلاسی، تلاشی برای رسیدن به حل این چالش بود. اظهارنظرهای متفاوت از گمانه‌زنی‌ها به گوش می‌رسید. مثلاً در یک گفت‌وگوی گروهی، بر سر اثبات حضور شلغم و رد ادعای وجود کلم بنفش، غیر از طعم و مزه، به رگه‌ای از رنگ بنفش که در کنار زمینه سفید خودنمایی می‌کرد، اشاره شد. اما همچنان استقبال از کدو، به زعم اینکه خیار است، بسیار زیاد بود. تا جایی که بعد از خوردن مرحله اول خوراکی‌ها، وقتی آموزگار برای بار دوم دعوت کرد دانش‌آموزان در صورت تمایل از میوه‌ها و سبزی‌ها انتخاب کنند، بچه‌ها با اشتیاق خاصی به طرف میز آمدند و تقریباً قطعات خیار! (کدو) نایاب شد.

نوبت کشیدن و ثبت مشاهدات بود تا شکل کامل قطعات خوراکی بدن ماهی را رسم کنند. این بخش از کلاس فرصت خوبی در اختیار آموزگار قرار می‌داد تا مشاهدات و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان را به طور دقیق بررسی کند. هنوز تعدادی از آن‌ها در شناخت خوراکی‌ها به جمع‌بندی درستی نرسیده بودند. موقعیت بهتری برای تمرین مهارت مشاهده و بحث و گفت‌وگو شکل گرفت تا در نهایت آموزگار پرده از این راز برداشت و دستمالی که روی بشقاب میوه‌ها بود، برداشته شد. نکته‌ی جالب و شگفت‌انگیز این بود که دانش‌آموزان پی بردند خیار که با اشتیاق فراوان می‌خوردند، کدو بوده است. اینجا بود که تعدادی از دانش‌آموزان ادعا کردند اصلاً از مزه‌ی کدو خوششان نمی‌آید و آن را به اشتباه به جای خیار خورده‌اند. در پایان، با تجربه‌ی فعالیت مشاهده‌ی دقیق دانش‌آموزان و ارزشیابی آن، فرصت مناسب دیگری در اختیار آموزگار قرار می‌گیرد تا برنامه‌های جذاب دیگری برای گسترش موضوع طراحی کند.



کرونا، آلمانی

کووید ۱۹ پشت در مدرسه‌های آلمان



صغری حق‌دوست

کلیدواژه‌ها: کرونا، مشاور، آموزش، آلمان

● آیا فرزند شما نام معلم امسال خود را می‌داند؟

چند روز پیش در دفتر کارم منتظر مراجعه کننده‌ام بودم. زمانی که دانش آموزم برای مشاوره وارد اتاق من شد، به همراه ایشسان، برادر کوچکش نیز درخواست کرد که به اتاق من بیاید. از پسر پرسیدم کلاس چندم هستی، گفت کلاس پنجم. و وقتی نام آموزگارش را پرسیدم، گفت نمی‌دانم. آقا پسر خیلی فکر کرد. بعد گفت نمی‌دانم. با خودش بلندفکرمی کرد و می‌گفت، واقعاً اسم معلمم چیست؟ بعد از آن من کنجکاو شدم و از بالغ بر ۹۰ نفر از اولیا و دانش آموزان این سؤال را پرسیدم. متأسفانه پاسخ‌های نمی‌دانم زیاد بودند.

● به راستی، در روزهای آموزش مجازی چه باید کرد؟

چندین مصاحبه با دانش آموزان انجام دادم. نتایج آن‌ها به شرح زیر است.

۱. برخی از دانش آموزان به مدرسه علاقه‌مند و برخی بی‌علاقه بودند.
۲. آموزگاران با کسب تجربه‌ی آموزش مجازی، همگام با دانش آموزان گام برمی‌دارند.
۳. گاهی حجم زیاد تکالیف ارائه شده، بی‌نظمی در ساعات ارسال تکالیف، برگزاری امتحان در روزهای تعطیل، ارسال مطالب در نیمه‌های شب، مشکلات اینترنت انگیزه‌ی دانش آموزان را کم کرده است.
۴. دانش آموزان می‌خواهند دوستان هم کلاس خود را ببینند.

پیشنهاد من

۱. برگزاری جلسه‌ی معارفه با دانش‌آموزان در روزهای نخستین؛
 ۲. دیدار ماهانه با دانش‌آموزان و اولیا به صورت چندنفره در محیط باز دبستان؛
 ۳. ارتباط همکاران با دانش‌آموزان در ساعات معین؛
 ۴. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت معلمان برای سلامتی خود و دانش‌آموزان؛
 ۵. راه‌اندازی طرح مشاور کرونایی در این روزهای سخت و ارتباط تنگاتنگ و هفتگی مشاور با دانش‌آموزان، هفته‌ای یک ساعت برای هر دانش‌آموز (این طرح در سه ماهه‌ی اول، هنگام تعطیلی مدرسه‌ها در آلمان انجام شد). در این طرح، مشاور ضمن ارتباط با دانش‌آموزان، استرس و اضطراب خانواده را نیز کنترل می‌کند.
- در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مهرماه ۹۹ گزارشی از وضعیت کرونا در چند شهر

آلمان ارائه دادم. اینک در ادامه‌ی آن گزارش، نکاتی را خدمتتان تقدیم می‌کنم:

۱. در سه ماهه‌ی اول ورود کرونا، مدرسه‌ها تعطیل شدند و با سه روش هدایت تحصیلی انجام می‌شد. ولی بعد از سه ماه کلیه‌ی مدرسه‌ها باز شدند.
۲. در تصمیم‌گیری دولت مبنی بر قرنطینه، تعطیل کردن فروشگاه‌ها و ... مدرسه‌ها به هیچ‌عنوان شامل این فرایندها نشدند و با مدیریت صحیح و کنترل کرونا، مدرسه‌ها همچنان باز هستند.
۳. در بررسی‌های لازم، با توجه به اینکه استفاده از ماسک در کلاس درس، کودکان تا پایه‌ی چهارم را دچار استرس می‌کند، در قانون جدید، کودکان زیر پایه‌ی پنجم، در کلاس ماسک نمی‌زنند.

۴. هر ۲۰ دقیقه یک بار پنجره‌ی کلاس باز می‌شود و دانش‌آموزان از هوای پاک استفاده می‌کنند، در واقع هر ساعت سه بار هوا تهویه می‌شود.
۵. دانش‌آموزان از کلاس پنجم به بعد که وارد دوره‌ی متوسطه می‌شوند، ماسک می‌زنند.
۶. دانش‌آموزان ابتدایی و همه‌ی افراد در محیط‌های بسته (قطار، اتوبوس و مغازه) باید ماسک بزنند.
۷. تمام بچه‌ها آموزش‌های لازم را برای حفظ سلامت خود دیده‌اند و هر کس خودش پرستار خویش است.
۸. در صورتی که دانش‌آموزی کرونا بگیرد، کلیه‌ی دانش‌آموزان پنج روز تعطیل می‌شوند. فردی که کرونا گرفته است، دو هفته قرنطینه می‌شود و سپس با مجوز دکتر می‌تواند به مدرسه برگردد.
۹. دیدار با آموزگار و ارتباط تنگاتنگ با معلم ابتدایی یکی از اصول مدیریتی آموزش و پرورش آلمان است.
۱۰. از همان ابتدای کرونا، با مدیریت درازمدت و کوتاه‌مدت، به نظام آموزشی آلمان هیچ خدشه‌ای وارد نشده است و مدرسه‌ها بعد از سه ماه باز شده‌اند و دانش‌آموزان در محیط مدرسه مشغول آموزش هستند.
۱۱. یکی از طرح‌های جدید آلمان برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان است تا روش تزریق واکسن کرونا را یاد بگیرند؛ چون جمعیت زیادی باید به پرستاران و دکترها در راه تزریق واکسن کمک کنند.



باشگاه خانگی

نقش عناصر گوناگون

در آموزش مجازی تربیت بدنی



دکتر محسن وحدانی

در شرایط کنونی، روزهای کرونایی و ماندگاری بیشتر کودکان در فضاهای کوچک خانه، مشکلات جسمانی و روانی زیادی برای دانش آموزان رقم می خورد. در این شرایط، ضرورت اجرای فعالیت بدنی متناسب با اهداف برنامه‌ی درسی تربیت بدنی بیش از پیش احساس می شود. پیاده سازی اهداف برنامه‌ی درسی تربیت بدنی در قالب آموزش مجازی، به یکی از دغدغه‌های اصلی کارشناسان و آموزگاران تبدیل شده است. در این مقاله، نقش و جایگاه عناصر گوناگون را در آموزش مجازی درس تربیت بدنی تحلیل خواهیم کرد.

محتوا

یکی از چالش‌های اساسی آموزش مجازی، محتوای برنامه‌ی درسی است. موضوعات اساسی برنامه‌ی درسی تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی شامل بخش‌های دانشی، عوامل آمادگی جسمانی و مهارت‌های حرکتی است. بخش‌های دانشی را می توان در قالب روش‌های متعددی همچون پروژه، اکتشافی، حل مسئله و با بهره گیری از الگوی چرخه‌ی یادگیری شناختی و یادگیری معکوس آموزش داد. عوامل آمادگی جسمانی را می توان در قالب بازی و تمرین‌های متنوع از طریق نمایش فیلم و تصویر و در چارچوب چرخه‌ی یادگیری شناختی ارائه داد. دغدغه‌ی اصلی، بخش مهارت‌های حرکتی است. در دوره‌ی اول ابتدایی، مهارت‌های راه رفتن، پرتاب کردن، دریافت کردن، چرخیدن و پیچیدن، جهت یابی، لی لی کردن، و شیرین کاری‌ها و در دوره‌ی دوم ابتدایی مهارت‌های مربوط به طناب زنی، تنیس روی میز، بدمینتون و والیبال در فضای خانه قابل اجراست. سایر مهارت‌ها به اقتضای شرایط بومی هر منطقه قابل بررسی خواهند بود.





خانواده

در آموزش مجازی دوره‌ی ابتدایی، خانواده نقشی کلیدی دارد. ارتباط و تعامل مداوم و مؤثر آموزگار با اولیا، در اجرای مطلوب برنامه‌ی درسی نقش مهمی دارد. لازم است آموزگاران در هر جلسه توضیحات لازم را در خصوص چگونگی کار با بچه‌ها و نحوه‌ی مشارکت خانواده در انجام بازی‌ها و فعالیت‌های یادگیری ارائه کنند. به عنوان مثال، پدر یا مادر خانواده در موضوع آموزش مهارت «طناب زنی» باید ضمن تهیه‌ی طناب، در یادگیری مهارت طناب زدن فرزند خود را همراهی کند و پیگیر ارائه‌ی گزارش به آموزگار باشد. سه نقش اساسی خانواده: ۱. خانواده می‌تواند با تدارک مواد غذایی سالم، و تهیه‌ی وسایل و تجهیزات ورزشی ایمن و مناسب و فراهم کردن فرصت‌های بازی‌های حرکتی در داخل و خارج از منزل، نقش پشتیبانی ایفا کند؛ ۲. خانواده می‌تواند با تشویق و ترغیب فرزندان در راستای انجام فعالیت بدنی، بهره‌مندی از تغذیه‌ی سالم، و برقراری ارتباط عاطفی مؤثر و مطلوب، نقش انگیزشی و روانی داشته باشد؛ ۳. یکی از نقش‌های مهم خانواده در آموزش مجازی، «همیار معلمی» است. کمک به معلم درس تربیت بدنی در فعالیت‌های آموزشی، ارزشیابی، ثبت و پیگیری تکالیف دانشی و حرکتی، ارائه‌ی گزارش و بازخورد، از جمله موارد مهمی است که خانواده می‌تواند در راستای اهداف برنامه داشته باشد.

روش‌های یاددهی - یادگیری

در آموزش مجازی درس تربیت بدنی پیشنهاد می‌شود از روش‌های فعال، پویا و اکتشافی استفاده شود. بدیهی است، برای پیاده‌سازی روش‌ها باید از مشارکت خانواده به صورت مؤثر استفاده کرد. با توجه به سطح متفاوت سواد و توانایی‌های خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های یادگیری به صورت گام به گام و در قالب فایل‌های مجزا ارائه شوند. برای مثال زمانی که از روش چرخه‌ی یادگیری استفاده می‌کنیم، در مرحله‌ی اول با نمایش یک فیلم، پویانمایی یا حتی انجام یک بازی با اعضای خانواده، ذهن دانش‌آموز را درگیر موضوع کنیم. در مرحله‌ی دوم که جست‌وجوگری است، با چند پرسش یا یک فایل رسانه‌ای می‌توان مفهوم‌سازی موضوع را در ذهن دانش‌آموز گسترش داد و در مرحله‌ی توصیف و تبیین، با نمایش صحیح حرکت و ارائه‌ی بازی‌های پویای حرکتی قابل اجرا در خانه، زمینه‌ی ثبت مفهوم و مهارت را فراهم کرد. در نهایت با ارائه‌ی تکالیف حرکتی در قالب بازی، پروژه، تمرین و چالش

می‌توان از توپ‌های دست‌ساز پارچه‌ای یا کاغذی استفاده کرد.

دانش‌آموز

دانش‌آموز باید در انجام فعالیت‌های یادگیری و تکالیف حرکتی نقشی فعال و پویا داشته باشد. این انگیزه را آموزگار و خانواده به وی منتقل می‌کنند. رعایت پوشش ورزشی مناسب، رعایت مراحل اصولی بازی و تمرین، رعایت نکات بهداشتی و تغذیه‌ای، و انجام به موقع تکالیف مواردی هستند که باید با کمک اولیا انجام شوند.

آموزگار

آموزگار نقش راهبری و هدایتگری را دارد. در مرحله‌ی اول، وی باید با بهره‌مندی از یک طرح درس دقیق و مدون، و به کمک رسانه‌های آموزشی جذاب و متناسب با سن دانش‌آموزان، فعالیت‌های آموزشی را طرح‌ریزی کند. برای تولید محتوای آموزشی می‌توان از رسانه‌ها از جمله عکس، فیلم، پویانمایی، پوستر و اینفوگراف استفاده کرد. برای مثال، در آموزش موضوع «قدرت و استقامت عضلانی» می‌توان از پویانمایی یا فیلم‌های متعددی بهره برد که در فضای رسانه‌ای و مجازی در دسترس هستند؛ فیلم‌هایی که کاربرد این مهارت را در زندگی (مثل چکش زدن، حمل و جابه‌جایی وسایل) یا در ورزش (مثل دو صحرانوردی، شنای استقامتی و کوهنوردی) نشان می‌دهند. آموزگار در طراحی فعالیت‌های آموزشی (مثل گرم کردن، نمایش حرکت و تکالیف حرکتی) می‌تواند به عنوان مجری نقش ایفا کند یا از نمونه فیلم‌ها و تمرین‌هایی بهره ببرد که در سامانه‌های شاد و رشد در دسترس هستند. همچنین، آموزگار نقش نظارتی بر اجرای تکالیف، ارائه‌ی بازخورد و ارزشیابی رانیز عهده‌دار است. تعامل مستمر با خانواده می‌تواند تسهیلگر وظایف وی باشد.

حرکتی از اولیا خواست تکالیف را در کارپوشه یا فرم‌های ثبت تکالیف ثبت و برای معلم ارسال کنند. تأمل زمانی بین گام‌های سوم و چهارم فرصت تفکر و اندیشیدن بیشتر را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

ارزشیابی

در شرایط آموزش مجازی، بر ارزشیابی تکوینی تأکید بیشتری می‌شود. بنابراین باید ارزشیابی‌های مستمر به شیوه‌های متنوع و بازمنه‌ی مشارکت خانواده استفاده شود. برای مثال در آموزش موضوع تغذیه می‌توان از بچه‌ها خواست مواد غذایی سالم را نقاشی کنند. یا در آموزش عامل استقامت عمومی، تعداد طناب زدن روزانه‌ی خود را در کارپوشه ثبت کنند. ارزشیابی از فعالیت‌های درس تربیت بدنی می‌تواند در قالب فرم‌های خودارزیابی، کارپوشه‌ی ثبت فعالیت‌های حرکتی، فرم‌های ارزشیابی توسط والدین، ارائه‌ی پروژه‌های متنوع (نقاشی، ماکت، روزنامه دیواری، کاردستی و انشا) و فهرست و آرسی صورت پذیرد.

محیط یادگیری، وسایل و تجهیزات

در آموزش مجازی، محیط یادگیری درس تربیت بدنی خانه است. بدیهی است ایمنی محیط اهمیت بسیاری دارد. در این خصوص لازم است هرگونه وسایل تیز، برنده و شکستنی از محل بازی به دور باشد. قاب‌ها و وسایل نصبی روی دیوار (مانند ساعت) بررسی شوند و اطراف محل بازی و فعالیت با استفاده از بالش و تشک ایمن سازی شوند. با جابه‌جایی اندک دکوراسیون می‌توان فضای بازتری را ایجاد کرد. محیط آتش‌زنه خانه فضای مناسبی برای انجام فعالیت بدنی نیست. تجهیزات مورد استفاده تا حد امکان باید در دسترس یادست‌ساز باشند تا تهیه‌ی آن‌ها برای همه‌ی خانواده‌ها مقدور باشد. مثلاً به جای توپ‌های پلاستیکی



کارگاه

بازی سازی

(استوری لاین)

مهندس زهره یوسفی زرنندی
یاسین حیات ابدی

با اوج گیری کرونا، نیاز به آموزش در فضای مجازی و محتوای بازی برای آموزش بهتر بسیار حس می شود. آموزگاران در صورتی می توانند آموزشی جذاب تر ارائه دهند که محتواهای جذاب تری تولید کنند و از روش های نوین آموزش در بستر برخط (آنلاین) کمک بگیرند. یکی از روش هایی که می تواند به رشد ارتباط تعاملی دانش آموزان در بستر فضای برخط (آنلاین) کمک کند، استفاده از آموزش بر پایه ی گیمیفیکیشن (بازی وارسازی) است. در این شیوه، تخیل، دانش، خلاقیت و مکانیک های بازی، با شیوه های معناداری وارد زندگی تحصیلی او می شود. جذابیت های محیط بازی می تواند حالت های بصری، شنوایی و لمسی را برای تبادل اطلاعات با بازیکنان به کار گیرند و با هم ترکیب کنند. تحت

این شرایط، محیط یادگیری تعاملی بهتری ایجاد می شود. لازم به ذکر است، تعامل می تواند کلید موفقیت آموزش در بستر مجازی، نسبت به سایر شیوه های آموزشی، باشد. بازی ها، در هر نوعی که باشند، انگیزه را افزایش می دهند و انگیزه در آموزش عامل مهمی است که در هیچ صنعت دیگری تا این حد مهم نیست. بازی وارسازی در آموزش مدرسه ای باعث می شود یادگیری جذاب و لذت بخش شود، به طوری که دانش آموزان، هر لحظه، به بازگشت به دوره ی آموزشی خود مایل می شوند. هدف بازی وارسازی در آموزش مدرسه ای، تقویت انگیزه ی فراگیرندگان، افزایش علاقه ی آن ها به انجام تکالیف و درک چگونگی استفاده از دانش کسب شده در عمل است. در ادامه قصد داریم نرم افزار استوری لاین را به عنوان یک نرم افزار ساده برای ساخت محتواهای بازی گونه به شما معرفی کنیم. استوری لاین یک نرم افزار تولید محتوای الکترونیکی و آموزش الکترونیکی به صورت اسلاید شو است که امکانات بسیاری از نرم افزارها را به صورت یکجا در خود جای داده است تا کاربر بتواند بدون نیاز به نرم افزارهای جانبی، محتوای خود را تنها با استفاده از نرم افزار تولید محتوای استوری لاین، در قالب بازی ایجاد کند. برای ملموس شدن آموزش در این مقاله، یکی از درس های ریاضی پایه ی دوم ابتدایی را انتخاب کرده ایم و در قالب این نرم افزار، مطالب آن را به صورت یک بازی بسیار ساده ی جورچین در آورده ایم.

کار با استوری لاین پس از نصب موفق برنامه ی استوری لاین روی رایانه، برنامه را باز و این مراحل را دنبال کنید:

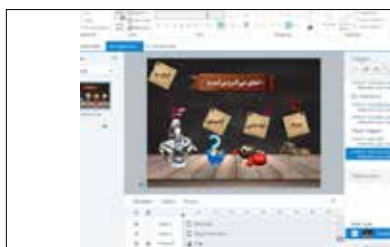


۱. از سربرگ Home گزینه ی New scene را انتخاب و پروژه ی خود را شروع کنید.

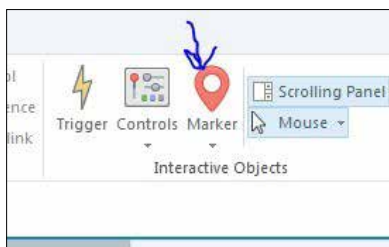


۲. از سربرگ Home گزینه ی New slide را نیز انتخاب کنید.

بجای نوشتن Storyline ۱. منابع: ۱. میزبان هویت‌ساز: سیمیه زریان (۱۳۹۶). آموزش تولید محتوای الکترونیکی با نرم افزار اسنوری لاین. آراد کتاب شهر تهران. شهردارزنی. شهر تهران. بازی‌پردازی (گیمیفیکیشن). مفاهیم و کاربردها. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی. شهر تهران. سیدمحمدباقر جعفری: زهرا عبدالله‌زاده (۱۳۹۷).



۹. می‌توان از مواد غذایی یا حشرات یا هر گزینه‌ی دیگر برای نمایش آن‌ها زیر میکروسکوپ استفاده کرد.



۶. با استفاده از مارکر می‌توان در نحوه‌ی نمایش متن تغییراتی ایجاد کرد.



۳. اگر می‌خواهید عکس پس‌زمینه داشته باشید، با کلیک راست روی Format background را انتخاب کنید.



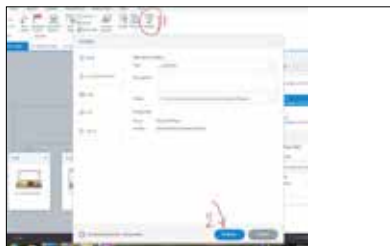
۱۰. با فرمان‌هایی مثل کشیدن و رهاکردن، درستی عملیات را کنترل کنید.



۷. برای نوشتن متن در صفحات، از سربرگ Insert و گزینه‌ی text box اقدام می‌کنیم.



۶. تغییرات مدنظر را در پنجره‌ی مربوطه اعمال کنید.



۱۱. با انتخاب پابلیشر، از نرم‌افزار خروجی بگیرید و آن را در مکان مناسب ذخیره کنید.



۸. برای اینکه به قسمت‌های گوناگون برنامه، دکمه بدهیم تا بتوانیم به صفحات بعد منتقل شویم، از قسمت Trigger از سربرگ Insert استفاده می‌کنیم.



۵. برای افزودن تصویر به برنامه، گزینه‌ی Picture را انتخاب کنید.

توانمندسازی گروهی

نگاهی به فعالیت‌های معاونت ابتدایی

استان خوزستان



شرکت دارند. اینجا هم می‌بینیم که خیرین در کنار سایر حرکت‌ها، در نهضت مدرسه‌سازی نیز شرکت می‌کنند. خانم موسوی از این حرکت هم صحبت می‌کند.

طرح خیرین آموزشی ما از اقداماتی است که به منظور ارتقای سطح آموزشی دانش‌آموزان لازم و جلب مشارکت همکاران داوطلب خیر با عنوان (خیرین آموزشی) که از سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تاکنون در حال اجراست. در ادامه‌ی آن در ارتباط با انسداد مبادی بی‌سوادی در جذب کودکان بازمانده از تحصیل و تولید محتوا ویژه‌ی کلاس‌های دوزبانه هم اقدامات بی‌وقفه ادامه دارد.

به‌رغم بروز بیماری کرونا، جریان یاددهی - یادگیری ادامه دارد

■ از معاون آموزش ابتدایی اداره‌ی کل آموزش و پرورش خوزستان می‌پرسیم با دقت در وضعیت موجود چه مشکلات احتمالی یا حتمی در زمینه‌ی این فعالیت‌ها به‌ویژه در روزهای شیوع کرونا پیش رو دارید؟

موسوی جواب می‌دهد: «به دلیل برخی کمبودها و نبود زیرساخت‌های لازم در آموزش دانش‌آموزان در فضای مجازی و برخوردار نبودن بعضی اولیا از نعمت سواد یا وضعیت مالی، مشاهده می‌شود در شرایط امروز تهیه‌ی گوشی هوشمند یا تبلت دشوار است و این به روند یاددهی - یادگیری آسیب می‌زند. دیگر نبود آموزگار رسمی و مجرب جهت توسعه کیفی و کمی پیش‌دبستانی در مناطق دارای ضریب محرومیت است که فعالیت ما را در دوره‌ی ابتدایی با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. البته با توجه به شیوع ویروس کرونا و نگرانی خانواده‌ها، ثبت‌نام نوآموزان پیش‌دبستانی از ۱۰۱ هزار نوآموز به حدود ۴۳ هزار نفر کاهش یافته

مهارتی، برای سال جاری در نظر گرفته شده است. اهم آن‌ها را ذکر بفرمایید. بله. معاونت ابتدایی اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان خوزستان در زمینه‌ی آموزش‌های مهارت‌آموزی یا عدالت آموزشی و آموزش مجازی، طرح‌ها و برنامه‌هایی تدارک دیده‌است که عبارت‌اند از:

تهیه و توزیع بسته‌های آموزشی (درس‌نامه، خودآموز و ...) بین ۴۶۳۵ دانش‌آموز در سطح استان؛
تهیه‌ی فیلم‌ها و پویانمایی‌های آموزشی با بارگذاری ۸۰۰ فیلم آموزشی دوره‌ی ابتدایی در تارنمای اپارات اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان؛ تولید ۹۵ فیلم آموزشی در استودیو آوای مدرسه و ۲۵ تکلیف مهارت‌محور علوم پایه‌ی سوم ابتدایی برای بارگذاری در شبکه‌ی شاد؛ اجرای طرح انس با قرآن کریم به‌منظور تعمیق تربیت اسلامی.

خیرین مدرسه‌ساز

امروزه خیرین در بسیاری از فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ی جامعه



بهنام شاداد

در حال حاضر در دوره‌ی ابتدایی استان خوزستان تعداد ۵۱۸۰ دبستان، ۲۱۹۹۶ آموزگار و ۵۹۱۷۶۲ دانش‌آموز وجود دارد. در این استان، به‌واسطه‌ی آب و هوای گرم و همچنین عشایر کوچ‌رو یا یکجانشین و نیز تنوع قومی و زبانی، فعالیت‌های تعلیم و تربیتی بسیار گسترده‌ای انجام می‌پذیرد. این استان یادگارهای فراوانی از دفاع مقدس دارد و همین امر گاهی در پیشبرد امور موانع جدی پیش پای مسئولان می‌گذارد. در گزارشی کوتاه از استان خوزستان، با خانم فرانک موسوی، معاون آموزش ابتدایی استان، به فعالیت‌ها و تنگناهای آموزشی و پرورشی استان در دوره‌ی ابتدایی اشاره خواهیم کرد.

■ خانم موسوی خبر دار شدیم که در سطح استان، فعالیت‌هایی، اعم از آموزش مجازی یا

ترویج فرهنگ مطالعه مجلات رشد هم پیشنهادی دارد. او می‌گوید:

- باید تنوع مطالب و جذابیت مجلات را بالاتر ببریم تا همکاران و دانش‌آموزان رغبت بیشتری به مطالعه داشته باشند.

- با توجه به وضعیت موجود بیماری کرونا شرایط جهت استفاده مخاطبان از مجلات رشد به صورت الکترونیکی فراهم شود.

- ایجاد فرصت‌های متنوع یادگیری (شاهنامه‌خوانی و داستان‌سرایی) به ترویج فرهنگ مطالعه کمک کرده و سطح سواد خواندن را بالا می‌برد.

- مطالب مجلات رشد متناسب با محتوای کتاب‌های درسی باشد تا آموزگاران در راستای تدریس از مطالب مجلات استفاده کنند.

فعالیت‌های اداری تکنولوژی و گروه‌های آموزشی ابتدایی در توانمندسازی آموزگاران

- تقویت جایگاه و کارکردهای گروه‌های آموزشی ابتدایی
 - اجرای جشنواره‌های الگوهای برتر تدریس
 - ارتقای کمی و کیفی ارزشیابی توصیفی
 - توانمندسازی معلمان با محوریت مدرسه (اقدام‌پژوهی - درس‌پژوهی و ...)
 - تحت پوشش قرار دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های پژوهشی (جشنواره‌ی جابرین حیان - بازی و یادگیری - عید و داستان - تکالیف مهارت‌محور و ...)
- در یک نگاه کلی گروه‌های آموزشی از پرکارترین و موفق‌ترین ادارات آموزش و پرورش هر منطقه است. آموزگاران و مربیان یا اعضای ستادی مستقر در آن به برنامه‌ریزی و مشارکت در برگزاری جشنواره‌ها و نقد تحلیل علمی برنامه‌های درسی در جمع معلمان می‌پردازند. تبادل نظر و آسیب‌شناسی برنامه‌ها و ابراز خلاقیت‌ها از ویژگی‌های این گروه‌هاست.

ابتدایی در استان چگونه است و برای ترویج فرهنگ مطالعه چه طرح‌هایی دارید؟ این سؤالی است که شاید خیلی جاها مطرح باشد.

خانم موسوی پاسخ می‌دهد: «در سال گذشته و البته با شیوع کرونا که محدودیت‌هایی را ایجاد کرد، سه شهرستان ما از مجلات رشد استفاده نمودند. در زمینه بهره‌مندی از مجلات رشد و ترویج آن در فضای آموزشی استان ما پیشنهادهایی داریم:

۱. مدیران مدارس جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان تشویق‌هایی در نظر بگیرند. به‌طور مثال برگزاری مسابقه و اهدای جوایز به نفرات برتر.
۲. درصد مالی بالاتری از اشتراک مجلات به مدیران تعلق بگیرد تا انگیزه‌ی بیشتری جهت پیگیری امور داشته باشند.

ترغیب به مطالعه و خواندن مجلات رشد

معاون آموزش ابتدایی خوزستان در

است. ضروری است در این زمینه توصیه‌های لازم به والدین گرامی صورت پذیرد تا براساس دستورالعمل طرح پوشش سراسری نوآموزان و آموزش مجازی پیش‌دبستانی رایگان نسبت به ثبت‌نام فرزندان ۵ ساله خود در مراکز پیش‌دبستانی مجازی که در هر منطقه آموزش و پرورش ایجاد گردیده است سریعاً اقدام نمایند.»

آموزش عشایری

بخش قابل توجهی از آمار فعالیت استان در ارتباط با آموزش عشایری است.

معاون آموزش ابتدایی در ارتباط با آموزش عشایر و مناطق دوزبانه در ایام شیوع کرونا و فعالیت‌های مربوط به آن می‌گوید: «به‌طور خلاصه تهیه بسته‌های آموزشی و درس‌نامه‌ی آموزش حضوری در مدارس با آمار زیر ۵۰ نفر و اهدای تعدادی تبلت به دانش‌آموزان عشایر از جمله فعالیت‌های این معاونت بوده است.»

بهره‌مندی از مجلات رشد

وضعیت اشتراک و ترویج مجلات رشد از جمله رشد



فرانک موسوی معاون آموزش ابتدایی استان



آموزگار چندپایه

در ادامه‌ی معرفی فعالیت‌های تعلیم و تربیتی در اداره‌ی کل آموزش و پرورش خوزستان در این فرصت به گفت‌وگو با آقای سیداحمد هاشمی یکی از آموزگاران موفق چندپایه در منطقه‌ی ۳ کارون با ۱۳ سال سابقه‌ی تدریس رفته‌ایم.

آقای هاشمی از سوابق کاری خود بگوید.

در سال ۱۳۸۸ از تربیت معلم فارغ‌التحصیل شده و از دورترین مدارس چندپایه کار خود را آغاز کرده‌ام و الان ۱۳ سال تدریس را پشت سر گذاشته‌ام. اکنون در مدرسه‌ی چندپایه ناحیه سه، کارون و در منطقه‌ی باوی به تدریس مشغول هستم.

شنیده‌ایم نویسنده کتاب هستید؟

بله. «سروده‌های بهداشتی» از تألیفات من است و همچنین سناریوهای چندپایه و چندین مقاله درخصوص چندپایه دارم. وبلاگ من در مجلات رشد به‌عنوان وبلاگ موفق انتخاب شده است. در کانال‌های ارتباطی به تولید و نشر مطالب چندپایه می‌پردازم و تمام مطالب این کانال‌ها در سایت و کانال دبیرخانه چندپایه باز نشر شده است. در ضمن رابط کشوری چندپایه و سرگروه و مدرس استانی نیز هستم.

از سختی‌های تدریس در چندپایه بگوید.

اینجا بچه‌هایی هستند که به دلایل مختلف از تحصیل باز می‌مانند. به همین جهت برای جذب دانش‌آموزان ترک تحصیل و رفع برخی مشکلات آن‌ها تلاش می‌کنم. در چنین مواردی داریم آموزگاران را که از اولیا به‌عنوان همیار مدرسه و به‌طور داوطلبانه استفاده می‌کنند. من نیز با دعوت این‌گونه افراد آن‌ها را با مشکلات آشنا ساخته و از همیاری‌شان بهره می‌برم. از جمله همکاری‌های اولیا در مقابله با بلایای طبیعی مانند سیل است که با حضور خود در محل تلاش می‌کنند دانش‌آموزان روحیه و انگیزه خود را از دست ندهند. مشکلات نمی‌تواند روند یاددهی - یادگیری را در اینجا کند یا متوقف سازد. با حضور اولیا و حمایت‌های مسئولان، آموزش را حتی با بازی پیش می‌بریم.

چه بازی‌هایی انجام می‌دهید؟

شاید باور نکنید اما یک مثال بزنم. بازی ساده‌ی هفت سنگ می‌تواند هم تفریح باشد و هم آموزش جمع



استفاده نمودم. آن عزیزان مطالب را دریافت و به بچه‌ها می‌رساندند. از رابطان و یاوران تقدیر کردم و کار به جایی رسید که در حال حاضر دانش‌آموزان ما در شبکه‌ی شاد حضور صددرصدی داشتند.

آموزگار پایه‌ی سوم

در اینجا با یک آموزگار مجرب و باانگیزه در حمیدیه به گفت‌وگویی کوتاه می‌نشینیم. معصومه عنصری آموزگار پایه سوم دبستان منطقه‌ای کم‌برخوردار در شهر حمیدیه است.

خانم عنصری درباره‌ی قدم‌های اول شروع به کارتان توضیح دهید.

در ابتدا با مدرک لیسانس مدیریت و برنامه‌ریزی به‌عنوان مربی پیش‌دستانی و پس از آن به‌صورت حق‌التدریس مشغول به کار شدم. با توجه به اینکه به هنر معرق هم آشنا هستم به‌عنوان صنعتگر صنایع دستی در رشته معرق‌کاری مربی‌گری کرده‌ام.

داستان استفاده از بدنه‌ی یخچال در آموزش چه بود؟

در روزهایی که مدرسه بر اثر شیوع کووید ۱۹ تعطیل و آموزش مجازی می‌شد تلاش برای استمرار فرایند آموزش باعث شد تا دست به ابتکار بزنم و از بدنه‌ی یخچال به‌عنوان تخته کلاس استفاده کنم. با نوشتن عبارات و مفاهیم درسی روی یخچال خانه‌مان از مطالب عکس و ویدئو تهیه می‌کردم و برای دانش‌آموزان در فضای مجازی ارسال می‌کردم.

آیا از نتیجه‌ی کار راضی بودید؟ از آنجایی که دست به قلم هستم و مطالعه می‌کنم به‌راحتی با مخاطب ارتباط ایجاد می‌کردم و نتیجه برایم راضی‌کننده است.

دروس حفظی از طریق تمرین‌های خودآموز به‌صورت چاپ شده و دروسی مثل ریاضی و فارسی از طریق فیلم را آموزش دادم. در فضای مجازی هم فعالیت داشتم. تمام اهالی که گوشی داشتند را شناسایی کردم و از میان افرادی که دسترسی داشتند به‌عنوان رابط و یاور آموزشی

و تفریق و هم یک حرکت ورزشی. **آیا در وضعیت کرونایی کلاس شما متوقف شد؟** در وضعیت شیوع کرونا از میان ۶۳ دانش‌آموزان تنها ۲ دانش‌آموز به فضای مجازی دسترسی داشتند. اما توفقی در کار نبود. خودم بسته‌ی آموزشی درست کردم.





محبت مجازی

مادر و پارسا در حال صحبت کردن هستند. پارسا غصه دار است و مادر حرف‌هایش را گوش می‌کند.



موضوع انشا
آرمان کرونا را شکست دهد







سال جهش تولید

رشد ماگ

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف) مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
 ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، و ارسال فیش بانکی به شماره برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳ - ۰۲۱.
 شماره شبدا: IR 180180000000000039662000

عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

شهرستان:

خیابان:

پلاک:

کد پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
 تلفن امور مشترکین: ۸۸ ۴۹۰۱۱۶، ۸۸۶۷۳۰۸-۰۲۱
 Email: Eshterak@roshdmag.ir

هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۹۰۰/۰۰۰ ریال
 هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

شرایط ارسال
مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌تواند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه باشند.
 ۵. از ارسال مقاله‌های کپی شده خودداری کنید.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی و مدرک تحصیلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.
 از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبر کنید.
 ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل «ورد» به ایمیل الصاق کنید. فایل «پی‌دی‌اف» نفرستید.
 برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

مسابقه
شماره ۵



نقش های آموزگار

در این شماره از مجله نیز سؤالاتی برای مسابقه طراحی شده اند. پاسخ های شما می تواند در هر قالبی، اعم از داستان، یادداشت و تحقیق، یا مقاله، خاطره و حتی شعر و نقاشی انجام گیرد و به دفتر مجله فرستاده شود. نظر به اهمیت تعامل و همدلی گروهی و اجتماعی در این روزها، در این حرکت فرهنگی با ما همراه شوید و نظرات و جواب های ارزشمند خود را بنویسید. از طریق ایمیل مجله یا پست به نشانی مجله ارسال دارید.

مجله رشد آموزش ابتدایی در هر شماره و برای مشارکت و حضور حداکثری همکاران گرامی در فعالیت های فرهنگی و علمی نشریه، سؤالاتی را در قالب مسابقه طراحی و تدوین می کند. در این شماره نیز در ارتباط با وظایف و نقش های آموزگار سؤالاتی طراحی شده اند. با مطالعه و دقت در این پرسش ها، در مسابقه ما شرکت و به سؤالات آن به صورت کاربردی پاسخ دهید. به یاد داشته باشید، یکی از راه های ارتباط با ما، رایانامه مجله است.

- شاید در نظام قدیم و رایج تعلیم و تربیت، آموزگار صرفاً یاددهنده بود. او وظیفه ای به جز آمدن به کلاس، تدریس کتاب درسی، تعیین تکلیف و اندکی پرسش و پاسخ نداشت. اگر بپذیریم در دوران جدید تعلیم و تربیت، با توجه به پیشرفت فناوری، شیوع کرونا و تشکیل کلاس های مجازی و ... نقش هایی دیگر برای آموزگار آفریده شده اند، عمده ترین آن ها را چگونه تبیین می کنید؟

مهلت ارسال جواب تا ۱۶ فروردین ۱۴۰۰

پس از تماس های بسیار مخاطبان گرامی مجله، به اطلاع می رساند اسامی برندگان مسابقه رشد آموزش ابتدایی سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ (دوره ۲۳) در مجله شماره ۲، پی در پی ۱۹۱ به چاپ رسیده و هدایای این عزیزان نیز ارسال شده است.

اهتزاز عشق



اعظم لاریجانی

ایران کشور ما و متعلق به همه‌ی ماست. کشورمان فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است تا امنیت و آسایش برای یکایک ما و امکان تحصیل و کسب فضایل انسانی و اخلاقی برای فرزندان این مرز و بوم فراهم شود. آموزش میهن‌دوستی بخشی از این فضایل است. میهن‌دوستی یعنی عشق، احترام و وفاداری به کشور خود. القای ارزش‌های میهن‌دوستی به کودکان، به آن‌ها کمک می‌کند شهروندانی مسئولیت‌پذیر تربیت شوند. باید به دانش‌آموزان پیام‌آموزیم به پرچممان احترام بگذارند. باید به آن‌ها پیام‌آموزیم هر جا سرود کشورمان پخش شد، بایستند. باید به آن‌ها پیام‌آموزیم که حفظ و نگهداری محیط‌زیست کشور بخشی از مسئولیت میهن‌دوستی‌شان است. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند از اموال عمومی خوب نگاه‌داری کنند. در و دیوار مدرسه، خیابانی که در آن قدم می‌زنند و نیمکتی که پشت آن می‌نشینند، همه اموال عمومی هستند. باید دانش‌آموزان بدانند که تمیز نگاه‌داشتن کلاس، شهر و کشورشان، نشان احترام به خودشان است. میهن‌دوستی را باید در همه‌ی ابعاد به آن‌ها نشان دهیم. میهن‌دوستی را به کودکان پیام‌آموزیم؛ چرا که آن‌ها آینده‌ی این میهن هستند.



عکاس: محمد گلچین، تالش، هشتمین جشنواره‌ی عکس رشد



مقام والای شهادت

پاداش الهی اوست. عزیزها

دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاع کشور دکتر محسن فخری‌زاده به دست مزدوران جنایتکار و شقاوت‌پیشه به شهادت رسید. این عنصر علمی کم‌نظیر جان عزیز و گرانمای خود را به خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار در راه خدا گذاشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست.

نخستین جشنواره فرهنگی هنری معلمان هنرمند

سراسر کشور

شیراز - سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

هنرهای نمایشی و فیلم کوتاه
رسانه و فضای مجازی
هنرهای تجسمی
ادبی و پژوهشی
هنرهای آوایی

The First Cultural and Artistic
Festival of Artist Teachers

Iran-Fars 2020-21

Dramatic Arts and Short Films

Social Media and Cyberspace

Literary and Research

Visual Arts

Vocal Arts

www.artistteachers.ir

وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل فرهنگ و هنر - اردبیل
با همکاری: اداره کل آموزش و پرورش استان فارس

